

بخشی از اسناد "میکونوس"

سپتامبر ۹۲ - آوریل ۹۷

www.iran-archive.com

پرویز دستمالچی

بخشی از اسناد "میکونوس"

سپتامبر ۹۲ - آوریل ۹۷

www.iran-archive.com

پرویز دستمالچی

نام کتاب: بخشی از اسناد "میکونوس" (سپتامبر ۹۲ - آوریل ۹۷)

تهیه و تنظیم: پرویز دستمالچی

نشر: آزاد

چاپ اول: مارس ۱۹۹۸ / بهار ۱۳۷۷ / برلین

P. Dastmalchi

نشانی:

Postfach 41 01 13

Berlin 12111

Parviz / Dastmalchi

حساب بانکی:

Berliner Sparkasse

Sparkonto: 731151380

BLZ: 10050000

Germany

شماره انتشار بین‌المللی کتاب (شابک):

ISBN: ۹۱-۶۳۰-۶۵۹۳-۲

همه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

فهرست

- پیشگفتار ۵
- ۱- از ترور تا شروع دادگاه (۱۷ سپتامبر ۹۲ تا ۲۸ اکتبر ۹۳) ۷
- ۲- شروع دادگاه "میکونوس" (۲۸ اکتبر ۱۹۹۳) ۶۷
- ۳- برخی از مصاحبه‌ها و مقالات در رابطه با
نقش سازمان مجاهدین ۹۷
- ۴- از کیفرخواست دادستان تا صدور حکم دستگیری
علی فلاحیان (۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ تا مارس ۱۹۹۶) ۱۲۱
- ۵- شهادت آقایان بنی صدر و شاهد "C" و رأی دادگاه
(۲۸ مارس ۹۶ تا دهم آوریل ۱۹۹۷) ۱۵۲
- ۶- عکس‌ها و... ۱۹۲

پیشگفتار

کتابی را که در دست دارید بخشی است از مجموعه گزارشات رسانه‌های خبری در باره ترور برلین، معروف به "میکونوس". رأی دادگاه "میکونوس" و محکوم کردن رهبران مذهبی و سیاسی حکومت ولایت فقیه، به این دادگاه جایگاهی تاریخی داد. چنین رأیی، نه تنها در تاریخ دادگستری اروپا، بلکه در جهان بی سابقه است. دادگاه "میکونوس" بخشی با اهمیت از تاریخ روابط و مناسبات خارجی میان آلمان و ایران شده است. دادگاه "میکونوس" ضربه‌ای شکننده، و شاید تعیین کننده، به سیاست تروریسم دولتی ولایت فقیه زد و پایه‌های آن را شدیداً لرزاند. این کتاب سومین کوشش من برای ثبت تروریسم دولتی ولایت فقیه، ترور برلین و پیامدهای آن، در تاریخ و نیز برای نسل حال و آینده است.

پرویز دستمالچی

دی ۱۳۷۶ / برلین

از ترور تا شروع دادگاه



اعضای گروه ترور: از راست به چپ:

کاظم دارابی کازرونی عضو سپاه پاسداران و عضو وزارت اطلاعات،

عباس راییل عضو حزب الله لبنان، یوسف امین عضو حزب الله لبنان، ناآشنا

گرد همایی

برای اعتراض به
حیانت و حسبانه
رزیم ددمنش جمهور
اسلامی و کسار چهار
تن از هم میهنان پیمان
شاد روانان: نوری دهکردی

و سعید شرفکندی و دوش از همراهاشان .
محل گرد همایی امروز ساعت ۱۷ طوی شهردای
Schöneberg. Um 17.00 den 18.9.92

۲۴ سپتامبر ۱۹۹۲

کتاب لندن

کتابخانه

همه سازمان های مخالف،

تهران را مسئول قتل شرفکندی می دانند

- برای یافتن قاتلان ۵۰ هزار مارک جایزه تعیین شد
- جمهوری اسلامی آمادگی خود را برای یافتن قاتلان اعلام کرد

ساعت ۲۳ عصر پنجشنبه ۱۷ سپتامبر، ۲۶ شهریور، در حالی که محمدصادق شرفکنندی (دکتر سعید) و چند تن دیگر از رهبران حزب دموکرات کردستان در رستورانی در برلین مشغول مذاکره با نماینده «جمهوریخواهان ملی ایران بودند»، مرد مسلحی که نقاب بر چهره داشت، ناگهان بالای سر آنها سبز می شود و پس از آنکه، به زبان فارسی دشنام زشتی می دهد («مادر قحبه‌ها») آتش مسلسل را به روی شرفکنندی و هم نشینان او می گشاید، و سپس فرد دومی برای آنکه مطمئن شود، چند گلوله تپانچه به مغز صادق شرفکنندی خالی می کند. شرفکنندی پس از قتل عبدالرحمن قاسملو که در سال ۱۹۸۹ در وین به دست عوامل جمهوری اسلامی کشته شد، به دبیرکلی حزب دموکرات کردستان برگزیده شده بود و تا لحظه مرگ این سمت را داشت.

در این سوءقصد خونین سه تن دیگر به نام های فتاح عبدلی، نماینده حزب دموکرات کردستان در اروپا، همایون اردلان و نوری دهکردی نیز کشته شدند و صاحب رستوران، رستوران کوچک یونانی که «میکونوس» نام دارد و در منطقه «ویلمرسدورف» برلین واقع است، بر اثر اصابت گلوله به شدت مجروح شده است.

کسی که از این حادثه خونین با خزیدن سریع به زیر میز جان سالم بدر برد، پرویز دستمالچی، نماینده «جمهوریخواهان ملی» در آلمان است که برای مذاکره با رهبران کرد بدانجا رفته بود. هموست که توانسته است توصیف مختصری را که از صحنه قتل شده است بدهد.

تحقیقات بعدی پلیس آلمان نشان می دهد که تروریست ها چهار تن بوده‌اند: یکی که آتش مسلسل را به روی رهبران حزب دموکرات کردستان گشود، دیگری که گلوله‌های تپانچه را به مغز شرفکنندی خالی کرد، نفر سوم که جلو در ورودی رستوران کشیک می کشید، و چهارمی که رانندگی مرسدس بنز نقره‌ای رنگی را

برعهده داشت که قاتلان توانستند با آن از محل حادثه بگریزند.

مقامات پلیس برلین و پلیس جنایی «ویسبادن» (مرکز پلیس جنایی آلمان) می گویند که قاتلان کار خود را در حد بالائی از مهارت حرفه‌ای انجام داده‌اند. تاکنون نیز رد پاهائی نه چندان مهم، اثری از قاتلان و هویت آنها به دست نیامده است.

در حالی که رهبران حزب دموکرات کردستان و همچنین جلال طالبانی، رهبر «اتحادیه میهنی کردستان» این قتل را «بی چون و چرا» کار جمهوری اسلامی می دانند، پلیس آلمان، ضمن محتمل دانستن این امر، راه تحقیقاتی را که می تواند به «حزب کارگران کرده» بینجامد بسته نگذاشته است. (حزب کارگران کرد، در ترکیه به صورت نیز و مندترین جنبش جدائی طلبانه عمل می کند و از یک سو به وسیله جمهوری اسلامی تقویت می شود و از سوی دیگر در آلمان در میان ترک هائی که به عنوان «کارگران میهمان» به آن کشور آمده‌اند و اقلیت

بقیه در صفحه ۳

همه سازمان های مخالف، تهران را مسؤل قتل شرفکندی می دانند

بقیه از صفحه ۱

صادق شرفکندی که بود؟

محمدصادق شرفکندی (دکتر سعید) که مساعده او را علی کشکدره یکی از نازترین شماره های کیهان چاپ شده بود، در سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۸) در سرکان (کردستان ایران) به دنیا آمد. وی دوره دبیرستان را در «دهاناد گذراند» سپس از دانشگاه ورسوی پاریس در رشته شیمی متعلقیت دکترا گرفت و به ایران بازگشت و در دانشسرای عالی تهران استاد شد.

وی در سال ۱۹۷۹، سال انقلاب ایران، به حزب دمکرات کردستان پیوست و به معاونت عبدالرحمن قاسملو رسید. پس از قتل دکتر قاسملو در ۱۳ ژوئن ۱۹۸۹ در ورس، کنگره، فرقی العاده حزب او را به سمت مدرس کلاس حزب برگرداند. محمدصادق شرفکندی متاهل بود. از او سه فرزند، دو پسر و یک دختر و نانی مانده است.

ارتباط با قتل قاسملو

شهردار حاکم برین خواستار روشن کردن این جنایت سیاسی شده اند. می بروروا، نخست وزیر پیشین فرانسه و دبیرکل تازه بین المللی سوسیالیست، از سازمان های عضو خواست که این وقت قنوت آمیزه را به تأیید محکوم کنند.

سعید باورانی نیز، پس از حلال بلطانی، این وقت بلطانی و محکوم کرد و گفت جنین دمکراتیک کردستان را نمی توان از راه انتقال های سیاسی خاموش کرد.

شناسائی قاتلان

۶۸ تن از افراد دربرده پلیس آلمان در تلاش شناسائی قاتلان دکتر شرفکندی و همسران او هستند که هفته پیش به ضرب گلوله و دو قاتل حرفه ای در استرانبان مکزیکوس در صومعه شهر تولی، آلمان کشته شدند. دو عضو خاندان سعید سعید، ستوران و یک مشغری و دامی آن که قیافه قاتلین را به خوبی به یاد دارند، اطلاعات مفیدی در اختیار پلیس فرار داده اند.

تکذیب جمهوری اسلامی

دو هفته پیش، علی فلاحیان، وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، در یک کنفرانس مطبوعاتی در تهران گفته بود که رژیم در میان دیگر وقتل های ضدانقلاب و اضطلاحی که در مورد مسافران و رهبران کرده می شود و همچنین در ج بالای دولت های خارجی که به اضطلاح پیاده شده اند، نفوذ کرده تنها برخی از افراد آن گروهی که مهاجرت رسانده، بلکه در آینده دست به اقداماتی خواهد زد.

در این حال محامه های جمهوری اسلامی در پاریس، دولت رژیم را در این قتل آزرده شد و هر گونه استناد آن و جمهوری اسلامی را رد می کند و اعلام می کند که قتل قاسملو و شرفکندی در برابر گروهی از اعضای مخالفان با اظهار این استناد و تردید است که به جمهوری

کردستان در اثنای سه سال واردم می آید. در ژوئن ۱۹۸۹ دکتر عبدالرحمن قاسملو که همراه عبدالله قاری، نماینده حزب دمکرات کردستان در اروپا، برای مذاکره با فرستادگان اکبر هاشمی رفسنجانی که در آن زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت، به آلمان رفتی در این وقت و در پایان مذاکرات، یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی آتش مسلسل را به روی آنها گشود و پا به فرار نهاد. یکی از شرکت کنندگان در قتل به نام «صحرارودی» که با گذرنامه دبلیاتیک در اروپا مسافرت می کرد، اگر چه به وسیله پلیس آتریش دستگیر شد، ولی بعد در شرایطی که هنوز روشن نشده است، از زندان آزاد گردید و با هموطنیهای ایران رهسپار تهران شد. از آن پس یک حکم بازداشت بین المللی علیه او صادر شده است!

روزنامه فرانسوی لبریسون، در گزارشی که از قتل صادق شرفکندی داده است، از جمله می نویسد: «تروریستی که مخالفان رژیم را نشانه گرفته است، آشکارا پس از مرگ خمینی نیز دوام آورده و پا به قدرت رسیدن گرایش رفسنجانی که به «میان روی» شهرت یافته است، همچنان ادامه دارد. از هیچکدام از قتل های که تاکنون صورت گرفته کاملاً برطرف نگردیده است، نه از قتل دکتر قاسملو در آتریش و نه از قتل دکتر شاپور بختیار در اوت ۱۹۹۱. به زودی او همسایه دانست که پلیس آلمان از این حیث مجتهدتر از همکاران دیگر اروپایی است یا نه، به هیارت دقیق تر، مقام های آلمانی آمادگی بیشتری دارند که خطر روبروئی با تهران را بپذیرند یا نه.

به هر حال پرتوهای امر به پلیس ختالی سپرده شده است. آنتونیو کرده در پاریس می گوید در حالی که در انتظار نتیجه تحقیقات است، و کرده مسئولیت این قتل چهارگانه را برعهده ایران می گذارند.

مهمی و تشکیل می دهند، دارای نفوذ بسیار است.

لیکن جلال بلطانی نه تنها جمهوری اسلامی را عامل این قتل می داند، بلکه عقیده دارد که انفجار سیب هدایت شونده ای که در ۶ ژوئن گذشته بر سر راه خاتم دانیل مینران (همسر رئیس جمهوری فرانسه) و برنار کوشر، وزیر امور انسانی منجر گردید و چند تن را کشت، کار حکومت تروریستی جمهوری اسلامی، بوده است. بلطانی می گوید که چند ساعت پیش از قتل در پاریس، صادق شرفکندی را دیده بود که به او گفت با چند تن از مخالفان رژیم ایران دیدار دارد. بلطانی افزود نمی دانست که این دیدار در رستورانی صورت خواهد گرفت. وگرنه شرفکندی را از این دیدار منع می کرد. «هران کرد» و همچنین چند نماینده از گروه های جمهوریخواه و چپ ایرانی به عنوان ناظر به کنفره بین المللی سوسیالیست دعوت شده بودند که در این شهر برگزار شد. یکی از شرکت کنندگان در مذاکرات می گوید که چند ساعت قبل از دیدار، که قرار بود روز جمعه ۱۸ سپتامبر صورت گیرد، از دفتر نمایندگان کرد اطلاع داده شد که دیدار یک روز جلو افتاده است.

ولی این تغییر ناگهانی برنامه توانست نقشه تروریست ها را بهم بزند و آنان موفق شدند مأموریت خود را، که به گفته کارشناسان از منتهای پیش برنامه ریزی شده بود، به اجرا درآورند. کارشناسان از این واقعت به دو حدس می رسند: یا تروریست ها با یک چند نفر از شرکت کنندگان در دیدار در رستوران «میکونوس» را سایه به سایه تعقیب می کردند، یا آنکه خیرچینی یا خیر چین هائی از دورون حریفانه تفسیر برنامه دیدار را به اطلاع آنها رسانده بود. قتل صادق شرفکندی دومین ضربه سنگینی است که بر حزب دمکرات

مجموعی است. در حالی که در این قتل شرفکندی و همسران او، یک نفر از نمایندگان حزب دمکرات کردستان در اروپا، برای مذاکره با فرستادگان اکبر هاشمی رفسنجانی که در آن زمان ریاست مجلس شورای اسلامی را برعهده داشت، به آلمان رفتی در این وقت و در پایان مذاکرات، یکی از نمایندگان جمهوری اسلامی آتش مسلسل را به روی آنها گشود و پا به فرار نهاد. یکی از شرکت کنندگان در قتل به نام «صحرارودی» که با گذرنامه دبلیاتیک در اروپا مسافرت می کرد، اگر چه به وسیله پلیس آتریش دستگیر شد، ولی بعد در شرایطی که هنوز روشن نشده است، از زندان آزاد گردید و با هموطنیهای ایران رهسپار تهران شد. از آن پس یک حکم بازداشت بین المللی علیه او صادر شده است!

روزنامه فرانسوی لبریسون، در گزارشی که از قتل صادق شرفکندی داده است، از جمله می نویسد: «تروریستی که مخالفان رژیم را نشانه گرفته است، آشکارا پس از مرگ خمینی نیز دوام آورده و پا به قدرت رسیدن گرایش رفسنجانی که به «میان روی» شهرت یافته است، همچنان ادامه دارد. از هیچکدام از قتل های که تاکنون صورت گرفته کاملاً برطرف نگردیده است، نه از قتل دکتر قاسملو در آتریش و نه از قتل دکتر شاپور بختیار در اوت ۱۹۹۱. به زودی او همسایه دانست که پلیس آلمان از این حیث مجتهدتر از همکاران دیگر اروپایی است یا نه، به هیارت دقیق تر، مقام های آلمانی آمادگی بیشتری دارند که خطر روبروئی با تهران را بپذیرند یا نه.

به هر حال پرتوهای امر به پلیس ختالی سپرده شده است. آنتونیو کرده در پاریس می گوید در حالی که در انتظار نتیجه تحقیقات است، و کرده مسئولیت این قتل چهارگانه را برعهده ایران می گذارند.

پیامدهای یک کشتار فجیع

در کردستان ایران میان جمهوری اسلامی و حزب دموکرات کردستان جنگ است و مانند هر جنگی خون بر خاک می ریزد. اگرچه وسایل ارتباط جمعی رژیم تهران درباره این جنگ بیشتر خاموشند، ولی مجالس ترحیمی که برای شهیدان، برگزار می گردد و اعلام آنها در روزنامه هاست نشان می دهد که افراد نیروهای مسلح حکومت در آن صفحات ایران کشته می شوند. اطلاعاتی مطبوعاتی که حزب دموکرات کردستان در اروپا منتشر می سازد، این زد و خورد های خونین مسلحانه را تأیید می کند.

دامنه این جنگ خونین بیرحمانه را جمهوری اسلامی به خارج از کشور نیز کشانده و گردونه دوزخی کشتارش را برای نابودی جسمانی مخالفان، از جمله رهبران کرد، به کار انداخته است. عبدالرحمن قاسملو، دبیرکل حزب دموکرات کردستان، در سال ۱۹۸۹ قربانی این تروریسم شد و اکنون محمدصادق شرفکنندی، جانشین او، در سرزنش اسفبار او سهیم گشت. درباره این تروریسم سیاسی جز محکوم کردن قاطعانه آن سخنی نمی توان گفت.

حزب دموکرات کردستان هدف خود را «دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان» اعلام کرده است. لیکن مذاکره بدفرجامی که قاسملو با رژیم تهران آغاز کرد و همچنین آمادگی که شرفکنندی برای مذاکره با جمهوری اسلامی (به شرطی که خودمختاری کردستان را پیشاپیش بپذیرد) اعلام داشت، این سوال را پیش می آورد که آیا رابطه میان دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان، در استراتژی حزب دموکرات کردستان براساسی رابطه ای ناگسستی است؟ چگونه می توان از راه مذاکره با رژیمی که هرروز دموکراسی و حقوق بشر را پایمال می کند، به این هدف دست یافت؟ این ها پرسش هایی است که حزب دموکرات کردستان بدون جواب گذارده است.

چنین می نماید که تاکتیک حزب دموکرات کردستان، دست کم تا کنون، این بوده باشد که با یک دست در برابر جمهوری اسلامی قدرت نمایی نظامی کند و با دست دیگر درهای مذاکره را به روی این رژیم بگشاید.

بسیار پیش آمده است که یک سازمان سیاسی با اعمال فشار نظامی، رژیمی مخالف را به پای میز مذاکره بکشاند. لیکن فشار نظامی حزب دموکرات کردستان آشکارا چنین هدفی را کفایت نمی کند. چنین می نماید که حزب دموکرات کردستان قدرت نظامیش را واقع بینانه ارزیابی نکند و موضع آن در این رهگذر از نوعی ساده نگری رنجور باشد.

تاکتیک زور نظامی و آمادگی برای مذاکره، برای آنکه به نتیجه ای برسد، به یک چیز دیگر هم نیاز دارد، و آن یک سرویس اطلاعاتی هوشیار و مراقب است. به نظر می رسد که حزب دموکرات کردستان هنوز نتوانسته باشد چنین سازمانی را بوجود آورد، وگرنه قاسملو و به نوعی شرفکنندی به این دام های خونین نمی افتادند.

باید در این باره اندیشید که سبب این کمبود شاید این باشد که حزب دموکرات کردستان خودمختاری برای کردستان را به عنوان اولویت مطلق پذیرفته است و در اولویت دیگر، به دموکراسی برای ایران، بیشتر به عنوان یک آرایش سیاسی می نگرد.

رویدادهای ناگواری که برای رهبران این حزب پیش آمده است، آیا سبب خواهد گردید که رهبران تازه به ضرورت بازنگری در هدف و استراتژی حزب جدیدتر بیندیشند؟

واکنش‌ها

● دبیرخانه شهریار ایران، رضا پهلوی در اطلاعیه‌های مطبوعاتی، از جمله نوشته است:

دشمن و وحشیانه دکتر شمیسا شرفرگندی، دبیر کل حزب دموکرات کردستان، سه تن دیگر از پاران او در آلمان برای همه مردم ایران که در حکومت نظامی جمهوری اسلامی سال هاست طعم تلخ وحشت و سرکشی را چشیده‌اند و بویژه برای هم میهنان عزیز کرد ما، خبری بی نهایت تلخ و ناآزادگیر است.

خونی که در این جنایت هولناک بر زمین ریخته شد، سخنان اخیر وزیر اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی را، به مخالفان رژیم در خارج از کشور و به ضربات هولناک تهدید کرده بود، برای همه کسانی که هنوز به تمذیل فطرت بی رحمانه و استبدادی آن رژیم دلپسند، روشتر کرد.

این بار نیز، چون بارهای پیشمار گلشنه، جمهوری اسلامی مسؤولیت خود را در این کشتار خونین انکار کرده است. اما این انکار برای مردم ایران در برابر پرورنده شیای سیزده‌ساله رژیم، پستی نمی‌آورد.

در این اطلاعیه آمده است: یعنی اگر رژیم به کشتار همه رهبران مبارزه علیه استبداد هم موفق شود در برابر میلیون ها زن و مرد ایرانی که روزمندان گمنام و شکست ناپذیر این مبارزه‌اند کمترین بختی نخواهد داشت.

شهریار ایران، ضمن ابراز همدردی عمیق با یازماندگان قربانیان این جنایت هولناک و محکوم ساختن مسؤولین و مرتکبان آن، همه هم میهنان عزیز را به ادامه مبارزه و مقاومت علیه حکومت استبداد فرا می‌خواند.

● دکتر نمایندگی حزب دموکرات کردستان... خارج از کشور و سرورستان های رژیم جمهوری اسلامی، را مسؤول این قتل دانسته و نوشته است:

دلایل این ترور وحشیانه برای همه ایرانیان و بویژه مخالفین جدی رژیم ایران پوشش نمی‌دهد. حزب دموکرات کردستان ایران همراه رهبر پیشینش دکتر سعید در فاصله سه سال بعد از شهادت دکتر قاسملو به عنوان نیز و متدترین و جدی ترین مخالف رژیم در همه هرصه‌های سیاسی و نظامی مبارزه بی اسان خود را همچنان ادامه داد. و جبر سببید دکتر شرفرگندی جدی ترین و فاعلترین رهبر سیاسی بود که یک لحظه از تلاش در راه انجام همه ابرویسیون ایرانی هالای نبود.

● اعلامیه می‌آزاید:

دورژیم تروریست تهران به رهبری رفسنجانی و دار و دسته جنایتکارش وجود و حضور حزب دموکرات و کادریهای برجسته آن را بزرگترین دشمنان خود می‌داند و به همین جهت برای ادامه نظم و مستم خود بر همه ایرانیان تنها راه نجات خود را در قتل عام رهبران

● نهضت مقاومت ملی ایران در اطلاعیه‌ای مطبوعاتی می‌نویسد:

و آدم های رفسنجانی باز دیگر دست به قتل آورده‌اند... نهضت مقاومت ملی می‌نویسد که رژیم تهران که با شورش باهوش در داخل ایران روبروست، باهوشی می‌آرزو و نمی‌تواند جلو این خصومت مردمی را با خود بگیرد و از این رودست به ناپودی جسمانی مخالفان سیاسی خود و مخالفان تروریست دولتی زده است. نهضت مقاومت دود کشور اروپایی را سرزنش می‌کند که در برابر جمهوری اسلامی ضعف نشان می‌دهند و این موجب تشوین تروریست‌ها در ادامه کار خود است.

● نهضت مقاومت و امکان عمل ناسمجندوی، را که برای تروریسم در اروپا وجود پیدا کرده است، محکوم می‌کند و می‌آزاید به مردم اختلاف نظری که با حزب دموکرات کردستان دارد، طرفدار ادامه گفت و گوی دموکراتیک برای پایان بخشیدن به لاجمه‌ای است که بر میون ما رفته است.

● شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اعلامیه‌ای می‌نویسد:

این نوشته جنایتکارانه، در افکار عمومی نفرت و خشم علیه آدمکشان و پرانگیزت و همه آزادیخواهان ایرانی را عمیقاً متأثر و اندوهناک کرد.

انتخاب محل ترور و نحوه اجرای جنایت، بیانگر یک لوطه سیاسی از پیش برنامه‌ریزی شده بود. جدا از سابقه مستند رژیم جمهوری اسلامی در ترور مخالفان، تصریحات اخیر وزیر اطلاعات رژیم بر ندادن سیاست سرکوب مخالفان در خارج از کشور نیز نشان می‌دهد که سرخ ترورها در رژیم سبب جمهوری اسلامی است.

تاکتیک ترور مخالفان سرشناس در خارج از کشور که در سال های اخیر دهها بار به اجرا درآمده است، ادامه یرون مرزی سیاست سرکوب در داخل کشور است که تاکنون دهها هزار نفر از فرزندان مردم ایران را در کام خود کشیده است. رژیم در خارج از کشور با بهره‌گیری از امکانات گسترده دیپلماتیک به نام نماینده مین ما در جهان، فرزندان مردم ایران را کشتار می‌کند تا به زعم خود فریاد اعتراض علیه استبداد را در خارج از ایران هم خفه کند.

● اعلامیه می‌آزاید: دولت های اروپایی در برابر تروریسم می‌آزاید: اگر تعقیب تروریست‌ها از سوی دولت های کشورهای محل وقوع ترورها و فشار بین المللی بر رژیم تروریست آخوندی جدی و مؤثر می‌بوه، ابعاد ترورها این چنین گسترده نمی‌بود و تروریست‌ها این چنین بی پروا عمل نمی‌کردند. دولت های مزبور و همه جهان مسؤولیت دارند و می‌توانند دست جلادان جمهوری اسلامی را از ادامه خونریزی بویژه در خارج از ایران

برکنندگی تیره‌های آزادی خواه و عدم اشتراك ساعی همه ما برای مقابله متحد با توطئه‌های رژیم تروریست و اعمال فشار بر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جلوگیری از تروریسم جمهوری اسلامی، باعث شده است تا رژیم آخوندی هر روز جانی تازه خلق کند. با آنکه همه کسانی که تا کنون

به‌دست تروریست‌های رژیم به‌شهادت رسیده‌اند، در اهداف مبارزه و شیوه و اشکال مبارزه، به‌یافتن‌های مختلف مخالفان رژیم متفق‌داشتند، اما همگی در مخالفت با رژیم مستبد و تروریست، شریک بوده‌اند. این مخالفان هر یک بر اثر حله‌هایی از سوی رژیم، چون دعوت به‌طافه مخفی، واهزی‌های و لشکرکشی نظامی در پیش‌رو از خاک ایران، نفوذ در سازمان‌های سیاسی و اطراف شخصیت‌های منفرد و با تعقیب مخالفان در کشورهای دیگر، به‌دست تروریست‌های رژیم کشته شده‌اند. بر این وضع باید تعلق پایان نهاد.

● حسن نزه به در اعلامیه‌ای می‌نویسد: با همه بران به‌دنیال همه قتل سیاسی، هشداری است بر تمام سازمان‌ها و متدترین ابرویسیون. تا زمانی که مبارزات آنها همانند نگردد و به صورتی جبهه‌ای با در چهارچوب پایگاهی متناظر دموکراتیک به همکاری و فعالیت دسته‌مجمعی تبدیل نگردد، از مصونیت لازم در برابر یورش‌ها و ضربت‌های مهلک، و فاش‌گراشته رژیم جمهوری اسلامی برخوردار نخواهند بود.

● پناهگاه اتحاد برای دموکراسی، در یک اطلاعیه مطبوعاتی می‌نویسد: دورژیم ورشکسته جمهوری اسلامی یک دشمن لسم خورده مردم ایران به‌دنیال تهدید خود که چند روز قبل در نهایت صراحت و ولایت پر زبان للاحیان وزیر جدید اطلاعات و امنیت رژیم جاری شد، دکتر سعید شرفرگندی رهبر حزب دموکرات کردستان و سه نفر دیگر از معرضان ایراندوست کرد ما را در برلین وسیله تروریست‌های حمله‌ای از میان برداشت.

● دلخبران پیشاپیش گفته بود: به‌مخالفین خود در داخل و خارج کشور خصوصاً اگراد لطمه‌های مهلکی وارد ساخته‌ایم و به این کار قویا ادامه خواهیم داد.

● این اطلاعیه ادامه می‌دهد: آقای هاشمی رفسنجانی و منتظاراتش باید بداند که رفسنجانی نظیر سرلوط چالوشکود دبر با زود دانگ‌گراشتن خواهد شد.



30. Okt. 1992

خبرهای ایران

سیر (P 7)

ترور صادق شرفکندی از زبان شاهد واقعه

۱۰۵

اولین شماره خود به چاپ برسانید.

۲- گرد هم آتی روز ۱۷ سپتامبر بنا به دعوت و خواست دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، دکتر شرفکندی، انجام گرفت.

۳- هدف از این گردهم آیی تبادل نظر و گفتگو در باره مسایل ایران و وضع نبردهای اپوزیسیون در خارج از کشور و راههای نزدیکی این نبردها به هم بود.

۴- زمان و مکان این گردهم آیی از طرف شادروان نوری دهکردی تعیین و توسط عزیز غفاری (صاحب رستوران و از مخالفین رژیم جمهوری اسلامی) به اطلاع دعوت شدگان رسانده شد. در مورد زمان (روز) گردهم آیی سوء تفاهمی پیش می آید. بدین ترتیب که نوری دهکردی به عزیز غفاری زمان ملاقات را «شب جمعه» (یعنی پنجشنبه شب) میگوید و عزیز غفاری آن را «جمعه شب»

بدنبال انتشار گزارشهایی در زمینه قتل شرفکندی در روزنامه های مختلف پرویز دستمالچی یکی از اعضای جمهوریخواهان ملی ایران که در جریان سوء قصد حضور داشت و هم او مدعی شد که یکی از تروریست ها به زبان فارسی فحش رکبک بهمه حاضران ایرانی در رستوران داد، طی نامه ای به نیروی مندرجات بعضی از مطبوعات را مسخوش دانست و منظور روشن شدن از اذهان عمومی درخواست چاپ آن را کرده است.

متن نامه آقای پرویز دستمالچی به این شرح است:

۱- اخبار مندرج از نشریات فارسی زبان در باره حادثه ترور شهر برلین در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، که منجر به کشته شدن چهار تن از مبارزان راه آزادی ایران گردید در بسیاری از موارد ناقص و یا کاملاً نادرست می باشد. لذا خواهشمند است به منظور روشن شدن زوایای تاریخ این حادثه خونین برای خوانندگان آن نشریه، این اطلاعیه را در

(یعنی روز جمعه شب) متوجه می شود و لذا به همه اطلاع می دهد که زمان ملاقات روز جمعه ساعت ۸ شب می باشد.

۵- روز پنجشنبه ساعت ۸ شب شادروان دکتر شرفکندی، فتاح عبدگی (نماینده حزب دمکرات کردستان در اروپا)، همایون اردلان (نماینده حزب در آلمان) و نوری دهرودی (از فعالین و رهبران جنبش چپ مستقل ایران که به همراه هیئت نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در کنفرانس بینرئیسوزانل سومالیسم شرکت داشت و تمام مدت این هیئت را همراهی میکرد و از دوستان نزدیک دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی بود) به رستوران محل قرار (میکولوس) می روند. آنها در آنجا متوجه می شوند که در مورد روز ملاقات سوء تفاهمی پیش آمده و عزیز غفاری اشتباهاً زمان این نشست را «روز جمعه» با اطلاع دعوت شدگان رسانده است.

۶- نوری دهرودی فوراً کوشش می نماید با تلفن به اطلاع همه برساند که روز گرد هم آیی پنجشنبه است و آنها در آنجا به انتظار نشسته اند و دوستان در صورت امکان فوراً به رستوران محل گردهم آیی بروند. در نتیجه از مجموع دعوت شدگان فقط عده معدودی میتوانند خود را به آنجا برسانند.

۷- دعوت شدگان عبارت بودند: از حزب دمکراتیک مردم ایران، جمهوری خواهان ملی ایران، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)، سازمان راه فدایی، فعالین و رهبران جنبش مستقل چپ ایران و شخصیت های سیاسی ایرانی مقیم برلین که در شرایط کنونی با سازمان خاصی همکاری نمی کنند و عده ای از فعالین سیاسی شهر برلین. در مجموع قرار بود عده ای میان ۲۰ تا ۲۵ نفر جمع شوند.

۸- در اثر سوء تفاهم یاد شده، اکثراً نتوانستند در جلسه حاضر شوند. حاضرین عبارت بودند از ۱- دکتر شرفکندی،

۲- فتاح عبدگی، ۳- همایون اردلان، ۴- نوری دهرودی، ۵- مهدی ابراهیم زاده (عضو شورای مرکزی «اکثریت»، ۶- مستسعود... (یکی از کادرهای

«اکثریت»، ۷- عزیز غفاری (صاحب رستوران و از کادرهای رهبری «راه فدایی»، ۸- یک نفر به نام... (که بطور اتفاقی در آن شب، در آنجا حضور داشت ۹- پرویز دستمالچی (دبیر تشکیلات و امور مالی جمهوری خواهان ملی ایران).

۹- ساعت حدود یازده شب ما در حال گفتگو بودیم که تروریستهای جمهوری اسلامی ایران به رستوران می آیند و همه را به رگبار مسلسل می بندند و در پایان ده دکتر شرفکندی نیز تیر خلاص می زنند. در این حادثه چهارتن کشته می شوند، چهارتن سالم می مانند و آقای عزیز غفاری به شدت مجروح می شود. ایشان هنوز در بیمارستان بستری هستند. یک کلیه ایشان، نیمی از کبد را بریده اند و در پای راستش بر اثر خورد شدن استخوان، پلاتین کار گذاشته اند.

در این حادثه اگر همه دعوت شدگان شرکت کرده بودند، تعداد کشته شدگان حتماً رقمی میان ده تا یازده نفر می بود.

۱۰- پس از حادثه پلیس تعداد زیادی (حدود ۲۶ نفر) ایرانی و لبنانی را به جرم شرکت مستقیم و غیر مستقیم در این قتل دستگیر کرده است. این عده در برلین و شهرهای دیگر آلمان دستگیر شده اند. از جمله دستگیر شدگان در شهر برلین شخصی به نام کاظم دارابی است.

کاظم دارابی از رهبران حزب الله ایران در شهر برلین است. او از طرفداران بسیار پرو پا قرص رژیم تهران است که با نمایندگی ایران در برلین ارتباط دارد. زن او لبنانی است.

پلیس هنوز در رابط با دیگر دستگیر شدگان و همچنین وابستگی های سیاسی لبنانی های دستگیر شده سختی نگفته است. کاظم دارابی متهم است که خانه خود را به منظور انجام کارهای تدارکاتی این قتل در اختیار تیم ترور گذاشته است.

پرویز دستمالچی
دبیر تشکیلات و امور مالی
جمهوری خواهان ملی ایران

جزئیات ترور برلن

بنا بر دعوت دکتر انترناسیونال سوسیالیست، شادروان دکتور صادق شرفکندی (دیریکل حزب دمکرات کردستان ایران)، فتاح عبدلی (نماینده حزب دمکرات داریوسا) و همسایین اردلان (نماینده حزب دمکرات در آلمان) برای شرکت در کنفرانس حزب سوسیالیست به شهر برلین می آیند.

شادروان نوری دهکردی (از رهبران و فعالین جنبش چپ مستقل) که از دوستان بسیار نزدیک دکتر شرفکندی بود و تمام مدت به همراه نمایندگان حزب هیئت در جلسات کنفرانس شرکت دائمی داشت به علت کمبود وقت از آقای غفاری (از کادوهای سازمان راه فدائی و صاحب رستوران می کونوس (MYKONOS)) خواهش می کند که ایشان به برخی از دوستان مقیم شهر برلین اطلاع دهند که دکتر شرفکندی و همراهان او از علاقمند به دیدار و گفتگو درباره مسائل ایران و وضع اپوزیسیون در خارج با آنان می باشند. در این دیدار مسئله مذاکره رسمی میان نیروهای اپوزیسیون ابتدا مطرح نبود و به دلایل بسیار زیادی نمی توانست باشد. دعوت شدگان به این جلسه دوستانی از حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جمهوریخواهان ملی ایران، راه فدائی، برخی شخصیت های اپوزیسیون ایران که با هیچ سازمانی همکاری ندارند و مقیم شهر برلین هستند و چند تن از فعالین اپوزیسیون در شهر برلین بودند.

در مورد زمان تشکیل جلسه، شادروان دهکردی از عزیز غفاری خواهش می کند که دوستان اطلاع داده شود که من او را ملاقات شب جمعه ساعت ۸ شب خواهد

بود. منظور او از شب جمعه، پنجشنبه شب بوده است، اما آقای عزیز غفاری در اثر یک سوء تفاهم به همه اطلاع می دهد که زمان دیدار و گفتگو روز جمعه شب ساعت ۸ در رستوران او می باشد.

پنجشنبه شب حدود ساعت ۸ نوری دهکردی تلفظاً به من اطلاع داد که در تاریخ دیدار اشتباهی رخ داده است و آنها هم اکنون در رستوران منتظر ما هستند. من به راه افتادم و حدود ساعت ده دقیقه مانده به ۹ به آنجا رسیدم. در آنجا به غیر از شادروان دکتر شرفکندی، فتاح عبدلی، همسایین اردلان و نوری دهکردی کس دیگری هنوز نیامده بود. من در کنار شادروان فتاح عبدلی (سمت راست او) نشستم. آقای عزیز غفاری به علت بیسار بودن آفتاب رستوران در آشپزخانه مشغول بخت و پز بود. پس از من یکی از فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آمد و در کنار من ایستاد و نشست. پس از او مهدی ابراهیم زاده (عضو رهبری اکثریت) رسید و در کنار دهکردی نشست.

در کنار دهکردی آقای مسعود بود که من او را فقط به یاد دارم که در زمان سخنرانی در صحن بار می دادم و بنامه درخواست

ماهنامه

جمهوری خواهان ملی ایران

شماره ۴۷ (شهریور ۱۳۷۱ - سپتامبر ۱۹۹۲)

شادروان دهکردی بر سر میز ما آمد و در کنار مهدی ابراهیم زاده (سمت راست او) نشست. او جزء دعوت شدگان نبود و بنا به گفته خود او در آن شب بطور اتفاقی به آنجا آمده بود. آقای عزیز غفاری نیز پس از آنکه گزارش در آشپزخانه تمام شد به ما پیوست و در کنار شادروان همسایین اردلان (سمت چپ او) نشست. به علت این سوء تفاهمی که در مورد روز ملاقات پیش آمده بود، دیگر دعوت شدگان با نترسانند به دلایل گوناگون در آن شب به جلسه نیامدند و اینگونه امکان دسترسی به آنها وجود نداشت. اگر همه آمده بودند، احتمالاً تعدادی میان ۲۰ تا ۲۵ نفر در آنجا حضور می داشتند. ساعت حدود یازده شب بود و مسوول کنفرانس درباره مسائل ایران، وضع نیروهای اپوزیسیون در خارج و پروژه جنبش کردستان ایران بودیم که ناگهان شخصی بر بالای سر میز ما ظاهر شد. صورتش با دستمالی پوشیده و فقط چشمها و پیشانی اش معلوم بود. او همزمان با فریاد فحشی به سوی حاضرین بابت مسلسل آتش گشود. من او را فقط به یاد دارم که به زیر میز می پشت سرما قرار داشت پریدم. اینکه چگونه این

عمل انجام گرفته است را بخاطر نیآوردم. (تماسی آنچه که در اینجا در مورد لحظه حادثه بیان می شود یک دم ثانیه است). در کنار من، در زیر میز و در فاصله حدود ۵۰ سانتیمتری، شادروان فتاح عبدلی افتاده بود با صورتی خون آلود و دهان پر از خون. او نیز مانند من تلاش کرده بود خود را به زیر میز پشت سرمان برساند و در میان راه گلوله به او اصابت کرده بود. من در زیر میز بودم و ابتدا تکان نمی خوردم که صدای رگبار برای لحظه ای بسیار کوتاه قطع شد. سروصدائی شد و رگبار دوباره شروع شد و پس از لحظه ای دوباره قطع شد. من از زیر میز بطرف بالا نگاه کردم در این حالت دستی را با یک کلت دلم که بطرف محلی که دکتر شرفکندی نشسته بود، نشانه رفتم است. و بعد صدای تیر خلاص. زدن تیر خلاصی منقسط به شادروان دکتر شرفکندی من این امر است که او نفسی باقی از این ترور جان سالم بدر می برد. به عبارت دیگر هدف اصلی این ترور او بوده است. به راحتی می توان تصور کرد که اگر به علت سوء تفاهم در ملاقات همه دعوت شدگان در جلسه

شرکت کرده بودند، تماسی گلوله هائی که بر دیوار نشست، به سینه و سر این دوستان اصابت کرده بود.

در این حادثه شادروان دکتر شرفکندی، فتاح عبدلی، همسایین اردلان و نوری دهکردی گشته شدند. چهار نفر سالم ماندند و گلوله به آنها اصابت نکرد. آقای عزیز غفاری از شکم و پا زخمی شد که هنوز در بیمارستان بستری است. یک گلیه و بخشی از جگر او را بریده اند. در پایش تیر پلستانی کار گذاشته اند. از خطر مرگ رسته اما حالش هنوز خوب نیست.

من جمهوری اسلامی ایران را مسئول این جنایت رجحانه می دانم. وقت آن رسیده است که اپوزیسیون ایران سرای مفاصله ما این ترورها مشتربا دست به اقدامات جدی بزند.

رئیس هیئت مدیره

باردیگر، در شامگاه پنج شنبه هفدهم سپتامبر ۱۹۹۲، آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی دست به ترور شخصیت های اپوزیسیون ایرانی زدند. اینبار چهار تن از افراد مخالف رژیم حاکم، دکتر صادق شرفکندی دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، همایون اردلان و فتاح عبدلی از مسئولین حزب دمکرات کردستان ایران، ونیز نوری دهکردی مبارز آزادیخواه در شهر برلن قربانی عمل شوم ترور شدند. این ترور در تداوم ترورهای است که از سالها پیش و در محل های دیگر از سوی رژیم جمهوری اسلامی علیه مخالفان و اپوزیسیون بکار رفته بود. تکان دهنده این واقعت است که کشورهای که این ترورها در آنجا انجام گرفته، نه تنها در معرفی و مجازات عاملین اصلی ترورها نکوشیده اند بلکه درصدد لاپوشانی حقیقت ماجرا نیز بوده اند.

با این تفاسیل اعمال تروریستی، سرکوبگرانه و ویران ساز رژیم جمهوری اسلامی در داخل و خارج ایران چنان ابعاد دهشتناکی یافته که هرگونه اعمال کاری و انفعال را از جانب آزادیخواهان و مخالفان رژیم دو چندان ضایعه بار می سازد. متأسفانه اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور تاکنون واکنش لازم و کارساز در رابطه با این تروریسم دولتی از خود نشان نداده است. با توجه به این کمبود در فعالیت اپوزیسیون ما آزادیخواهان ایرانی

سخت با تشکیل کمیته تدارک موقت در صدد ایجاد کمیته ای در سطح شهر برلن هستیم. همچنین لزوم ایجاد کمیته های شهری در سطح اروپا و آمریکا را خاطر نشان می سازیم تا این کمیته ها از طریق تماس با بسکدی کمپارزه افشاگرانه خود را هماهنگ کرده و از رای کمیته های شهری در کمیته بین المللی حمایت از افراد اپوزیسیون ایرانی مستعد شوند. کمیته های شهری را شرکت فردی افراد اپوزیسیون می سازد و در اینصورت از پشتیبانی تراکبیر نهادهای تبعیدیان و سازمانهای مخالف رژیم برخوردار خواهد بود.

همچنین لازم است در فشار دستیابی به هدف کمیته بین المللی حمایت از جان افراد اپوزیسیون ایرانی، اقدام به تشکیل کمیته حامی با شرکت چهره های مترقی و سرشناس خارجی نماییم و با همبستگی ایشان امر تاثیر در انکار عمومی و فشار برد دولت ها و سازمان ملل را در جهت زیر فشار قرار دادن جمهوری اسلامی به پیش بریم. مسلماً یکی از اهداف کمیته حامی تشکیل مجمع نظیر ژاسل تریبونال خواهد بود که به جنایات رژیم جمهوری اسلامی رسیدگی کرده و عاملین قتل افراد اپوزیسیون را به انکار عمومی جمانیان معرفی نماید.

از طریق فعال سازی کمیته ها بار دیگر نقض حقوق بشر در ایران و سرکوب کلیه نیروهای مخالف و اپوزیسیون را مانع شویم و در سطح عمومی از انسان ها و نیروهای مترقی و احزاب سیاسی و رسانه های گروهی بخواهیم که با اعمال نفوذ بر دولت های مربوطه رژیم جمهوری اسلامی را به مثابه عامل اصلی ترور ها محکوم کرده و او را مجبور به رعایت حقوق بشر و پرهیز از ترور و سرکوب اپوزیسیون نمایند.

مسئولان کمیته موقت تدارک - شهر برلین

مصاحبه با رفیق مهدی ابراهیم زاده

شاهد عینی ترور برلین

در پی ترور ناجانبردانه دمکراتهای مبارز دکتر سعید صادقی شرفکنی، فاتح مهدی، همایون اردلان و نوری دمکردی بدست رژیم تروریست جمهوری اسلامی، پای صحبت رفیق مهدی ابراهیم زاده عضو شورای مرکزی سازمان ما نستقیم و از او تقاضا کردیم تا چندین پرسش ما را در رابطه با این حادثه تکناهنده پاسخ دهد. آنچه که در زیر می آید، پاسخ های ایشان به سوالات تشریحی کاراست.

سوال - رفیق ابراهیم زاده! شما از شاهدان زنده ترور جنایتکارانه کاک دکتر سعید صادقی شرفکنی، کاک فاتح مهدی، کاک همایون اردلان و رفیق نوری دمکردی در روز ناهمه بار بیست و ششم شهریور ماه بودید. هر چند که یادآوری دوباره این صحنه تلخ برای شما دشوار است ولی بگذارید تا آنچه را که در این لحظات تلخ و شوم گذشت، از زبان شما بشنویم.

پاسخ - روز پنجشنبه ۱۷ سپتامبر حدود ساعت ۳۳ در اتاق انتظامی رستوران "Mykonos" واقع در یکی از خیابانهای شهر برلین، ۹ نفر از جمله من، هوریک میز نشسته بودیم. حاضرین دارای گرایشهای سیاسی متفاوت بودند؛ ۳ نفر از حزب دمکرات کردستان ایران، ۲ نفر از سازمان ما، ۱ نفر از جمهوری خواهان ملی، ۱ نفر از سازمان فدائیان خلق و ۲ نفر از مخفردین سیاسی که یکی از آنها، رفیق نوری دمکردی بود به عنوان مترجم و عضو هیات شرکت کننده از طرف حزب دمکرات کردستان ایران در جلسه انترناسیونالیست ها، در جریان حضور داشته است. حدود یک ساعت و نیم از بحث و گفتگو بیامون مسائل مختلف سیاسی ایران گذشته بود. ناگهان صدایی از آستانه در اتاق شنیدم که گفت: "مادر تحبه ها!" در جهت صدانگاه کردم و دیدم یک نفر با ماسک در دهانه اتاق ایستاده بود و با اسلحه ای در دستش که روی آن هم دستمالی انداده بود، متعاقب آن صدای شلیک شنیده شد. بلافاصله برای کشتادن خودم، نوری که سمت راستم نشسته بود و شخص دیگری که در سمت چپ من نشسته بود، به زیر میز همسایه‌ام نشان دادم. نفر سمت چپ من و من به زیر رفیق مهدی نوری در نیمه راه

موقوف شد. صدای دور زین رفیقار مسلسل که باران بوکه مایش از اطراف میز زوی زمین می ریخت را شنیدم. همزمان سکوت برقرار شد. تکتانی به میز داده شد سپس صدای یک تک تیر بوشی رسید. بار دیگر سکوت برقرار شد، اینبار طولانی تر و دستم را به اطراف زدم نام رفقا را صدا کردم: مسعود، مسعود، عزیز، نوری، پوپرز، دکتر دکتر سرم را بلند کردم در کنارم نوری را غرقه در خون در حالیکه سرش زاروی میز تکیه داده بود دیدم. هنوز با صدای خر خر نفس می کشیدم. در کنار نوری دکتر پشت به دیوار سرش بطرف نوری خم شده بود و خون از دهان و جافاش جاری بود. صدایی از او در نمی آمد. در اطرف میز کاک صابون و کاک فتاح در کنار هم قرق در خون روی زمین افتاده و با صدای خر خر نفس می کشیدند. کسی دورتر در جهت انتهای اتاق، عزیز جوی زمین افتاده بود و از ناحیه شکم اش خون جاری بود. عزیز با صدایی توأم با درد گفت "چی شد؟!". زمین پر از خون و بوکه های مسلسل و شیشه های شکسته بود. بطرف تلفن که در کنار آشینخانه رستوران قرار داشت رفیقیم تا به پلیس اطلاع بدهیم. قبل از ما یکی از سشتریان رستوران که از سر شب آنجا نشسته بود، در حال تلفن زدن به پلیس بود. به او گفتیم تقاضای آمبولانس بکنند. تقابیتی بعد پلیس آمد تقریباً سریع حاضر شد از او سراغ آمبولانس و کمک های اولیه گرفتیم، پس از حدود ۵ دقیقه آمبولانس آمد. عزیز و نوری را به بیمارستان منتقل کردند. از هدم انتقال دکتر سعید و کاک فتاح و کاک اردلان به بیمارستان معلوم شد که آنها تقابیتی قبل شنیده شده اند.

سوال - در پی این خبر هولناک و برای همه محافل ایرانی پرسش مطرح شده است که چرا با اینصورت شناخت از رژیم تروریست بد سابقه و یک چنین بی احتیاطی بزرگی صورت گرفته و شماها در جایی دور هم نشسته بود برای آدمکشان جمهوری اسلامی جرو آسانترین شکارگاه بود؟

پاسخ - پاسخ به این سوال بهتر است قدری به عقب برگردیم. از دو سال پیش در برلین به سمت ویژه رفیق بوری که از شرکت چند نفر از سازمان ما، ماه حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان فدائیان خلق، جمهوری خواهان ملی و چند تن دیگر از منفرین سیاسی با هدف نزدیکی و همکاری و احزاب و سازمانهای مترقی و یافتن زبان گفتگو میان آنان، تشکیل تحت عنوان "اجلاس معاضترایی" تشکیل دادیم. اجلاس روی مباحث مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بحث و گفتگو میکرد. به مناسبت های مختلف و روی مباحثی که ناگون از قبیل مسائل مربوطه بنابندگان سیاسی و یا بحث

بارگشت و یا جنگ حلبج... سمپار و یا کنفرانس برلینار میکرد. تقابلات افراد شرکت کننده و مباحث مطروحه در آن به آن حضرتی دمکراتیک و تقریباً هادی داده بود ضمناً باید اشاره کنم که از حدود ماه پیش یک نفر از حزب دمکرات کردستان ایران نیز در "اجلاس معاضتری" شرکت میکرد. است. و اما آنچه که همین گردمهاش خوین بر میگردد. از حدود ۲ هفته قبل از حادثه، نوری تعدادی دکتر سعید به دیدار و گفتگو با "اجلاس معاضتری" را به اطلاع اجلاس رسانده و حتی در جلسه روی شکل و کیفیت برگزاری جلسه و تصدیقات ضرور برای تأمین امنیت آن صحبت شد. و بویژه از طرف نماینده سازمان در "اجلاس معاضتری" بر ضرورت اطلاع قبلی به پلیس برای تأمین امنیت محل تاکید شده بود که در تمام موارد نظر ساینده حزب دمکرات کردستان ایران ضمن تأیید هموسی پیشگامی های پیشیندهای این بود که "همه موارد را با خود دکتر صحت کنیم و حزب آخر را از خود بپرسیم".

حزب دمکرات کردستان ایران و از طریق رفیق بوری دمکردی برگزار شد. شماها چهارشنبه ۱۶ سپتامبر از من نیز برای حضور در روز جمعه ساعت ۱۹ و سوم در رستوران جنیور دعوت به عمل آمد. در تاریخ آنروز اطلاع داده شد

که جلسه بجای جعه، همین امروز (پنجشنبه) برگزار می شود همین با اشاره کنم که رفیق بوری تعدادی رانما به شخصیت خود برای دور جمعه دعوت کرده بود. به تعداد دیگری نیز زنگ زده شده بود که تریک سانه دلالی توانستند در جلسه حاضر شوند. این را هم اشاره کنم که شرکت من در جلسه مربوط با انگیزه من معلق شدن از مواضع حزب دمکرات کردستان ایران و بحث روی آن بود چرا که یک هفته قبل از آن، یک ضیافت ارضاعی شورای مرکزی سازمان ما با یک ضیافت

چهار نفره از رهبران حزب دمکرات گردستان ایران منجمله با حضور دکتر شریعتی، کاک فتاح و کاک صابویی حلاکت کرده بودند و من در جریان نظرات مطرحه و موارد گفتگو قرار گرفته بودم. شرکت در جلسه مزبور بیش از همه بنا به دعوت و اصرار رفیق ثوری صورت گرفت. اما در همین حال برایم قطعی بود که حزب در موقعیت حزب دمکرات گردستان ایران که در گردستان با رژیم جمهوری اسلامی مسلحانه می جنگد، حتما تمهیدات لازم امنیتی را برای حفظ دبیر کل خود دیده است. محل این جلسه با محل جلسات اجلاس هماهنگی^{۱۱} اهلی یکی بود.

پس از حادثه هولناک روز ۱۷ سپتامبر اولین سؤال من از یکی از مسئولین حزب دمکرات گردستان ایران این بود که چه تمهیداتی برای دبیر کل حزب تان دیده بودید؟ که در پاسخ گفتند^{۱۲} با توجه به برگزاری کنگره انترناسیونال سوسیالیستها در رایشتاک برلین، انگلی ما به رفقای کرد و رفیق ثوری بواسطه توانایی و نجارب او بوده است^{۱۳} بلکه شما درست میگویند برگزاری چنین جلسه ای با چنین ترکیبی در چنین محلی آسانترین شکار گاه برای آدمکشان رژیم بود.

سؤال - شما پس از این ترور در برلین حضور داشتید و شاهد نحوه برخورد مقامات و ارگان های مربوطه با این جنایت بودید. فکر می کنید که موضوع پیگرد قاتلان چه اندازه جدی است؟ آیا دولت آلمان هم همان برخورد معامله گرانه را نخواهد کرد که دولت های دیگر در جریان ترورهای قبلی از خود نشان دادند؟

جواب - به نظر من از لحظه وقوع این جنایت هولناک تاکنون مأموران پلیس جنایی و پلیس امنیتی متشکر که در سراسر آلمان و ویژه در برلین پیگیری لازم را در ردگیری قاتلان به عمل آورده اند. برای اینکار هم انگیزه کافی وجود دارد. در پایتخت آلمان، در تک اروپا، یک تیم از ثقل تدارک دیده شده تروریستی در یک رستوران حمام جون راه می اندازد. چهار نفر از اپوزیسیون ایران که سه نفر آنها دعوت رسمی برای شرکت در انترناسیونال سوسیالیست ها در رایشتاک به برلین آمده بودند راه قتل می سازند و ایر می توانند مورد پذیرش دولت آلمان قرار گیرد. ما را این تمایز از طرف دولت آلمان برای پیدا کردن قاتلان جدی است. اینکه آیا در صورت یافتن قاتلان، در ضمن رژیم سازماندهی تروریسم و

مجازات تروریست ها برخورد جدی یا معامله گرانه صورت بگیرد، از یک سو به هدف امنیت ترانزادهای اقتصادی آلمان در رابطه با بستگی دارد و از سوی دیگر با وسعت تلاش نیروهای ترقیخواه آلمان و احزاب و شخصیت های موثر اپوزیسیون ترقیخواه ایران در فشار به دولت آلمان برای پیگیری و معرفی عاملان جنایت مربوط می شود.

سؤال - شخصاً فکر می کنید که هدف رژیم از این ترور چیست؟

جواب - در یک نگاه عمومی می توان گفت که هدفش ضربه زدن به اپوزیسیون است. رژیم با ترور شخصیت ها و کارهای موثر اپوزیسیون اهداف زیر را تعقیب می کند: الف - مخالفین موثر خود را از میان برمی دارد. ب - به سازمان و حزب و یا جریانی که آن شخص

تعلق دارد، ضربه فیزیکی وارد کند. پ - در میان نیروی اپوزیسیون ایجاد رعب و وحشت کند تا دست از مبارزه با رژیم بردارند. پ - در میان احزاب، سازمان ها، جریان ها و کلا اپوزیسیون، سواظن و بدبینی و بی اعتمادی ایجاد کند و آنها را به جان هم بیاندازد و مشغول خودشان سازد.

از جمله نیروها و جریاناتی را که می توانند از روی بی مسئولیتی و یا افراط سینسی بدام این توطئه بیفتند، طعمه این هدف رفیانه خودسازد.

سؤال - واقعات تیروها و مخالفان رژیم تا به امروز نمی توانند در جهت خنثی کردن یا حداقل محدود ساختن امکانات رژیم برای نابود کردن گروهی از شخصیت های برجسته جنبش دمکراتیک میهن اقدام موثری انجام دهند؟

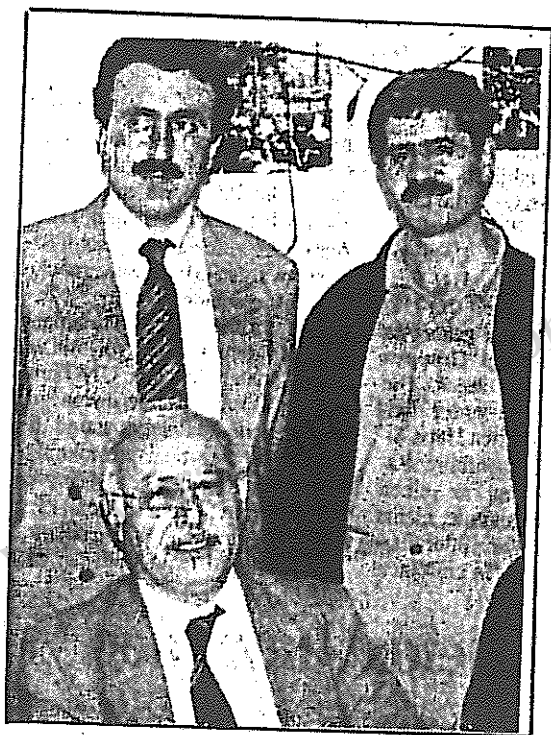
جواب - من حشدار این باورم که اگر نیروهای دمکرات و آزادیخواه، تاکنون دست در دست هم، به مقابله با دستگاه ترور رژیم بر خواسته بودند، می توانستند محدودیت جانی زیادی برای رژیم ایجاد کنند. اپوزیسیون واقعا می توانستند خیلی کارها بکند.

سؤال - شما فکر می کنید که مثلا اپوزیسیون چه اقداماتی می تواند در پیش بکند تا دستگاه ترور رژیم در خارج از کشور از کار بیفتد؟

جواب - به نظر من کام اول می تواند و باید ایجاد یک کانون یا شورای صاعنکی مقابله با ترور باشد. این کانون یا شورای صاعنکی مقابله با ترور، می تواند انواع و اقسام اقدامات سیاسی را سازمان دهد. ما بر این ضرورت تاکید داریم و در همین راستا است که بلافاصله پس از فاجعه اخیر، شورای مرکزی سازمان نامه ای به احزاب و سازمان ها و تعدادی از شخصیت های سیاسی نوشت و از آنها دعوت کرد تا بلافاصله به چاره جویی مشترک و اقدام صانعک در قبال تروریسم رژیم بپردازند. ما بر آنیم که با اشتراک و اتحاد عمل می توان دستگاه جنونی ترور رژیم را از کار انداخت.

شریه کارافرنق ابراهیم زاده، از شما به خاطر پاسخ به پرسشها متشکریم.





از راست به چپ: همایون اردلان
دکتر شرفکندی
فتاح عبیدی



Beisetzung des Attentat-Opfers Nuri Dehkordi.

شهره بدیعی و سارا دهکردی/همسر و دختر نوری دهکردی در مراسم خاکسپاری نوری دهکردی

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

بیاننامه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران بمناسبت شهادت

دکتر محمدصادق شرفکندی (سعید)

دبیرکل حزب و رفقاییش

خلقهای شرافتمند ایران!

مردم مبارز کردستان!

اعضا، هواداران و دوستان حزب دمکرات کردستان ایران!

رفیق مبارز صادق شرفکندی که در میان رفقای
حزبی کاک سعید نامیده می‌شد، چند روز پیشتر در
رأس هیات نمایندگی حزب جهت شرکت درکنگره
انترناسیونال سوسیالیست عازم آلمان شده بود،
پس از اتمام کارکنگره جهت بحث و گفتگو با تعدادی از
مبارزان اپوزیسیون ایرانی در آلمان باقی ماند. سه
هنگام وقوع حادثه، کاک سعید و رفقاییش به همراه چند
تن از رفقای سازمان فدائیان اکثریت، یک نماینده از
سوی جمهوریخواهان ملی ایران و یکی از اعضای تشکل
وسیع چپ دمکرات بهمین منظور در یک رستوران
بودند که از سوی سه تروریست رژیم آخوندی هدف حمله
قرار گرفته و ترورش شدند.

با قلبی مالا مال از اندوه و تأثر اعلام می‌داریم که
ساعت ۱۱ شامگاه پنجشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۳۷۱
شمسی برابر با ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ میلادی رفیق
مبارزو نستوه، فرزند شایسته توده‌های شرافتمند
خلق کرد، دکتر صادق شرفکندی، دبیرکل حزب
دمکرات کردستان ایران به همراه رفیق مبارز و
محبوب، فتاح عبدلی عضو کمیته مرکزی و نماینده
حزب در اروپا و کادر کارآمد حزبمان رفیق همایون
اردلان در شهر برلین آلمان هدف حمله تروریستهای
جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و بشهادت رسیدند.

بیاننامه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

بمناسبت شهادت

دکتر محمد صادق شرفکندی (سعید) دبیرکل حزب و رفقایش

بقیه از صفحه اول

حزب به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و عهده دار مسئولیت کمیته حزبی تهران گردید. در تابستان سال ۱۳۵۹ جهت فعالیت تمام وقت به کردستان بازگشت و در بنام کمیته مرکزی به عضویت دفتر سیاسی حزب درآمد. از آن سال به بعد در کلیه کنگره های حزب به عضویت کمیته مرکزی و سپس عضویت دفتر سیاسی انتخاب شد. سال ۱۳۶۵ به سمت معاونت دبیرکل برگزیده شد و تا هنگام شهادت دکتر قاسملو زنده یاد در این سمت به حزب و خلقش خدمت کرد. در بنام پاییز سال ۱۳۶۸ از سوی کمیته مرکزی به اتفاق آرا به دبیرکلی حزب انتخاب شد و پس از کنگره نهم حزب نیز مجدداً عهده دار این مسئولیت گردید.

شهید کاک سعید انسانی آگاه، جسور، مدیر، با روحیه، و با ایمان و مبارزی شایسته، کارآمد و خستگی ناپذیر بود. وی براحتی جانفشین لایسلسلی یک رهبر شایسته از دست رفته بود و بدون چون و چرا از جمله رهبران سیاسی ای بود که خلق کرد حسن داشت بدانان افتخار کرده امید بیند. بدون تردید همین ویژگیهای برجسته موجب آن شد که جمهوری اسلامی کین او را بدل بگیرد و جهت نابودی وی توطئه چینی نماید که متأسفانه در آن موفق شد. مردم شرافتمند کردستان و مبارزان حزب قاضی و قاسملو و شرفکندی ا

ترددی نیست که فقدان رهبری چون دکتر سعید زیان بزرگ و ضربه دردناکی است که بر بیکر جنبش آزادیخواهانه خلق کرد و حزب دمکرات کردستان ایران وارد می آید. اما اطمینان داشته باشیم همچنانکه پس از شهادت زنده یاد دکتر قاسملو برچم این مبارز بزمین نیافتاد و فقدان قاسملو در حزب دمکرات هویدا نگردید، با شهادت دکتر سعید نیز علم این زنده یاد تار سین نه قلعه بیروزی در اهتزاز خواهد بود. بر شما مبارزان حزب و فرزندان شرافتمند خلق کرد است که همچون گذشته بدور برچم حزب و آرمان شهیدانمان گردآید و اجازه ندهید که خللاً ناشی از فقدان دکتر شرفکندی در حزب دمکرات و جنبش خلق

در جریان حمله و وحشانه آدمکشان جمهوری اسلامی رفیق نوری مهرودی از اعضای تشکل وسیع جنب دمکرات که از دوستان دیرین حزب بوده هدف تیراندازی قرار گرفت و با شهادت رسید و فرزند دیگری بنام عزیز غفاری بشدت مجروح گردید.

اگرچه تا صدور این بیاننامه پلیس آلمان اطلاعات روشنی در مورد تئوریستهایمان تشکر ساخته است، لیکن برای ما برای مبارزان اپوزیسیون ایران و همچنین برای همه آنهایی که قصد گریز از واقعیهات را ندارند، روشن است که این جنایت ضد بشری از سوی رژیم ایران طرح ریزی شده و بدست مزدوران این رژیم بمورد اجراء درآمده است.

شهید زنده یاد، دکتر سعید سال ۱۳۱۶ شمسی در روستای ترغه منطقه بوکان بدنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را ابتدا در بوکان و سپس در مهاباد ادامه داده است و جهت تکمیل سال آخر دبیرستان راهی تبریز گردید. سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ لیسانس شیمی در دانشسرای عالی تهران گردید و از آن تاریخ تا سال ۱۳۴۴ در شهرهای ارومیه و مهاباد دبیر شیمی بود. سال ۱۳۵۱ با دریافت بورس وزارت علوم و آموزش عالی راهی فرانسه شد و پس از چهار سال به اخذ دکترای شیمی تجزیه از دانشگاه شماره شش پاریس نایل آمد. سال ۱۳۵۵ به تهران بازگشت و همچون استادیار شیمی تجزیه در دانشگاه تربیت معلم تهران به کار مقدس تدریس پرداخت.

پیشینه فعالیت سیاسی دکتر صادق شرفکندی در حزب دمکرات کردستان ایران به زمانی بر میگردد که وی دانشجوی دوره دکتر اداریاریس بود. در این سال با رهبر شهید حرمیان دکتر قاسملو کیبرداریاریس آشنا شد و با شناختی که از خط، بشی سیاسی حزب دمکرات پیدا کرد، خواستار عضویت در حزب گردید. پس از بازگشت به ایران همچون رابط میان دکتر قاسملو و شهید در خارج از کشور و تعدادی از مبارزین قدیمی حزب در داخل کشور به فعالیت پرداخت.

بدلیل لیاقت، آگاهی و کاردانی بسیار زود مدارج تشکیلاتی حزب را طی کرد. سال ۱۳۵۸ به مشاورت کمیته مرکزی و همان سال در کنگره چهارم

کرد نمایان باشد بزرگترین پاداش و احترام سابرای
این شهید زنده یاد و رفقای شهیدش این است که
با فعالیت بی‌وقفه و اتحاد و یکپارچگی پرچم -
آرمانهایمان را در اهتزاز نگاه داریم.

کمیته مرکزی از صمیم قلب از فقدان این رهبر
آگاه و شایسته متاسف است و بدین مناسبت مراتب
تسلیم خود را تقدیم خانواده و بستگان رهبر شهید و
رفقایش و کلیه اعضا، هواداران و دوستان حـزب و
نوده‌های مردم کردستان و سراسر ایران می‌دارد .
همچنین بدین مناسبت کمیته مرکزی با خون پاک این
شهدا و مردم کردستان و سراسر ایران تجدید پیمان
می‌کند که تار سیدن به آرمان مقدس شهدا در راه پیر
افتخار قاضی ، قاسم و شرفکندی گام بردارد.

ما از توده‌های خلق کرد در همه بخشهای
کردستان ، از آزادیخواهان سراسر ایران و از کلیه احزاب
و سازمانهای میهن پرست ایرانی و کردستانی
انتظار داریم همچون همیشه و حتی بیش از گذشته از
مبارزه روای حزبمان حمایت کنند و از هر طریق ممکن
انزجار و بی‌زاری خود را نسبت به این جنایت رژیم
آخوندی ابراز نموده و ... آنرا در انتظار افکار عمومی
جهان رسواتر کنند.

از آزادیخواهان سراسر جهان ، مجامع و محافل
بشردوست و هواداران حق و عدالت در جهان می‌خواهیم
هریک به نوبه خود دولت آلمان را تحت فشار
قرار دهند تا عاملان این توطئه ضد انسانی را شناسایی
کرده و آنها را بدست عدالت بسپارد و آنان و رژیم را

که آنان را مأمور به این کار کرده است در دادگاه
وجدان بیدار بشریت محاکمه نماید. بگذار همگی دست
به دست هم داده اجازه ندهیم که خون شهدای برلین
نیز همچون خون شهدای وین فدای منافع اقتصادی
و بازرگانی معدودی گردد. در این رابطه بسوی کلیه
خبرخواهان جهان دست کمک دراز می‌کنیم به امید
آنکه ما را یاری رسانند .

شایان ذکر است که تا برگزاری پلنوم کمیته
مرکزی و انتخاب دبیرکل ، رفیق مبارز مصطفی هجری
جانشین دبیرکل حزب مسئول کلیه وظایف دبیرکل
می‌باشد.

هزاران درود بروان پاک رهبر شهید دکتر صادق
شرفکندی رفیق فتاح عبدلی ، رفیق همایون اردلان و
رفیق نوری دهکردی و کلیه شهدای راه آزادی .

مرگ و نیستی و سرافکندگی از آن رژیم ضد خلقی
جمهوری اسلامی .

پیروز باد جنبش آزادیخواهان خلق کرد و
آرمانهای مقدس آن .

کمیته مرکزی
حزب دمکرات کردستان ایران
۱۳۷۱/۶/۲۷



مختصری از زندگی پیرار

شهبه دکنر محمد صادق شرفکندی

(بسیجی)

بقیه از صفحه اول

برادر بزرگترش، یعنی شاعر بزرگ و مبین پرست کرد مرحوم استاد "هزار" قرار گرفت. دوران کودکی زنده یاد "دکتر محمد صادق شرفکندی" همزمان بود با کمترین مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان و تأسیس جمهوری کردستان. لذا توصیه‌ها و رهنمودهای برادر آگاه و انقلابی به همراه بسیاری از مشاوران و رخدادهای آن مرحله از تاریخ و فکرواندیشه او نقش ست.

سال اول و دوم ابتدائی را در بوکان و پس از آنکه خانواده‌اش در مهاباد اقامت گزید تحصیلات دوره ابتدائی و دبیرستان را در آن شهر و سال آخر دبیرستان را در تبریز به اتمام رساند و در سال ۱۳۳۸ شمسی - ۱۹۵۹ میلادی موفق به اخذ لیسانس در رشته شیمی از دانشسرای عالی تهران گردید. قابل ذکر است که زنده‌یاد در تمام مراحل تحصیلی حائز رتبه نخست یا حداقل از جمله محصلین ممتاز بوده‌است. در همین سال بعنوان دبیر درس شیمی در شهرهای مهاباد و ارومیه بکار اشتغال ورزید و تا سال ۱۳۴۴ شمسی - ۱۹۶۵ میلادی کار تدریس و دبیری را دنبال نمود. در تمامی این مدت بعنوان دبیری ممتاز بمنظور پرورش و بالابردن سطح معلومات دانش‌آموزان کردستان جدیت و فعالیت ویژه‌ای از خود نشان داد. بگونه‌ای که دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان تحت تدریس وی سال به سال بیشتر در

(شیمی تجزیه) گردید.

دکتر صادق شرفکندی سال ۱۳۵۵ شمسی - ۱۹۷۶ میلادی به کشور بازگشت و بعنوان استادیار درس شیمی در دانشگاه "تربیت معلم" به کار تدریس ادامه داد که در انجام این خدمت فرهنگی نیز موفقیت‌های چشمگیری کسب و او را محبوب‌الاستاد و دانشجویان این دانشگاه گردانید، بگونه‌ای که او را بعنوان استادی، دانشور و در همان حال انقلابی می‌شناختند.

دکتر صادق مبارز، سال ۱۳۵۲ شمسی - ۱۹۷۳ میلادی یعنی زمانی که دوره دکترا را در پاریس میگذرانید از طریق رهبر بزرگ خلق کردگستر عبدالرحمان قاسمی با برنامه و اساسنامه حزب دمکرات کردستان ایران آشنا گردید و تقاضای عضویت در حزب دمکرات کردستان ایران را نمود. پس از مراجعت به ایران

کنکور دانشگاهها قبول می‌شدند و به دانشگاه راه می‌یافتند. سرانجام ساواک (دستگاه جاسوسی و جبهی) رژیم پهلوی ادامه این خدمت فرهنگی را در کردستان در حق وی روا ندید و به همراه تعداد دیگری از دبیران همفکر و همکارش او را تبعید و روانه شهرهای اراک، کرج، و دیگر شهرهای مرکزی کشور نمودند.

رفیق مبارز دکتر محمد صادق شرفکندی در سال ۱۳۴۹ شمسی - ۱۹۷۰ میلادی به دانشگاه تربیت معلم انتقال یافت و بعنوان استادیار خنث شیمی این دانشگاه مشغول بکار شد. پس از آنکه در این سمت نیز لیاقت و کاردانی خود را نشان داد با استفاده از بورس تحصیلی وزارت علوم در سال ۱۳۵۱ شمسی - ۱۹۷۲ میلادی راهی کشور فرانسه شد و پس از ۴ سال تحصیل در دانشگاه شماره ۶ پاریس موفق به اخذ درجه دکترا در رشته شیمی

بستوان رابط بین دکتر قاسملو و اعضاء قدیمی خود را در داخل کشور وظیفه حزبی خود را بطور شایسته ای بانجام رساند و در این رابط سه بکرات جان خود را به خطر انداخت . بدنبال سقوط رژیم پهلوی و تجدید فعالیت علنی حزب در سال ۱۳۵۸ شمسی - ۱۹۷۹ میلادی بستوان مشاور کمیته مرکزی و در اسفندماه سال ۱۳۵۸ - فوریه ۱۹۸۰ میلادی در کنگره چهارم حزب بستوان عضو کمیته مرکزی انتخاب گردید . مسئولیت کمیته حزب در تهران به وی سپرده شد که بحق در این مسئولیت نیز لیاقت و شایستگی خود را بنحو احسن نشان داد .

در اوایل تابستان سال ۱۳۵۹ شمسی - ۱۹۸۰ میلادی از بستوان رهبری حزب برای کار تمام وقت در حزب به گردستان فراخوانده شد و در جریان نشست کمیته مرکزی حزب در تابستان همانسال به عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب گردید . در کنگره های پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم حزب به عضویت کمیته مرکزی و هربار از سوی کمیته مرکزی به عضویت دفتر سیاسی انتخاب می شد .

دکتر صادق شرفکندی در دوران عضویت در رهبری حزب اکثر مسئولیت بخش انتشارات و تبلیغات را برعهده داشت و از سال ۱۳۶۵ تا هنگام شهادت دکتر قاسملو وظیفه معاونت دبیر کل حزب را عهده داریود .

رفیق مبارز دکتر صادق شرفکندی در نخستین نشست کمیته مرکزی پس از شهادت دکتر قاسملو با اتفاق آرا اعضاء کمیته مرکزی به دبیر کلی حزب انتخاب و در کنگره نهم حزب نیز مجدداً به این سمت انتخاب گردید و تا زمان شهادتش (۲۷ شهریور ۱۳۷۱ - ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲) وظیفه سنگین دبیر کلی حزب را برعهده داشت .

مبارز و انقلابی خلق کرد دکتر محمد صادق شرفکندی طی ۱۲ سال اخیر هواره دارای نقش اساسی و مؤثر در رهبری حزب و جنبش خلقمان و یکی از چهره های آگاه و سرشناس جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد بود و بحق باید اذعان نمود که شاکرد شایسته و یسار وفاداری برای زنده یاد دکتر قاسملو بود که پس از شهادت وی نیز در مقام معلم ادامه کاری و ادامه راه دکتر قاسملو با شایستگی، لیاقت و کاردانی مخصوص به خود اجازه نداد که دشمنان جنبش خلق کرد آنگونه که انتظار داشتند به اهدافشان در رابطه با حزب دمکرات نایل آیند .

دکتر صادق از همان موقع که به عضویت رهبری حزب درآمد یکی از طراحان مؤثر سیاست و مواضع حزب بود . مضرانه در حفظ اصول و پرنسیپهای حزب می کوشید ، افراد متزلزل و بی روحیه را به بساد انتقاد می گرفت و اجازه نمی داد تا تأثیرات شوم خود را بر رونق جنبش و امور حزب بگذارند . او کادرو پیشمرگان حزب را زدن و جان دوست میداشت ، اما این علاقه و حب هرگز مانع از ارزیابی و واقع بینانه او از کادرو پیشمرگان و کار و فعالیتشان نمی شد . دلپاسگی و بی کینه ای دکتر صادق بر همه رفقای حزب کاملاً مسلم بود . بهمین جهت رهنمودها و توصیه های او را بجان و دل می پذیرفتند . او نقش مهم تشکیلات را در حزب و جنبش بخوبی درک نموده بود ، لیکن هرگز تشکیلات را بجای خلق فرقی نمی کرد و از تعصب و سکتاریسم بدور بود ، زیرا که او تشکیلات و خود حزب را برای رهبری جنبش خلق می خواست .

دبیر کل محبوبان دکتر صادق شرفکندی مبارزی شجاع ، با روحیه مساخلاق ، راستگو ، درستکار و صادق به تمام معنا بود ، حامی حق و عدالت بود و همه این ویژگیها را در سیاست

و عمل بکار می گرفت . بر کسار و خستگی ناپذیری بود ، تمام هم و وقت خود را به انجام امور حزب اختصاص داده بود ، مبارز بمعنای خاص کلمه و دمکرات بمعنای واقعی بود . این ویژگیها در تمامی کار و کردار او گفترارش متجلی بود . اعتقاد عمیقی به دمکراسی و حقوق ملی خلقهای ایران داشت ، بهمین سبب از دیدگاه او معیار برای هر حرکت انقلابی در ایران و گردستان عبارت از تلاش بمنظور استقرار دمکراسی و تحقق حقوق ملی خلق کرد و همه خلقهای ایران بود . سیاست و تاکتیک برای دکتر صادق در اصطلاحات و عبارات خلاصه نمی شد از دیدگاه او سیاست عبارت بود از اقدام انقلابی . بهمین جهت هم بحق و در عمل سبیل و بزگیهای برجسته حزب دمکرات گردستان ایران بود .

فرزند دلیر و آگاه خلقمان دکتر صادق شرفکندی رهبری بی آرایش و بی تکلف و متواضع بود ، با این حال بهمان اندازه که نسبت به دوستان و رفقای آرام و باگذشت بود در برابر دشمنان حزب و خلق قطع ، مصمم و بدون اغماض بود . نرده ترش از خود نشان نمی داد و یک قدم از مواضع اصولی حزب عقب نمی کشید ، او خلق کرد را از دل و جان دوست می داشت بهمین جهت زندگی خود را وقف خدمت به آنان کرده بود ، از جمله سیاستمدارانی نبود که مسردم را وسیله ای برای پیشبرد منافع و مصالح خویش می دانند بلکه جز منافع و مصالح خلق ، چیز دیگری برایش مهم و مطرح نبود .

رفیق مبارز دکتر صادق برای کادرو پیشمرگان حزب تنها دبیر کل نبود بلکه رفیقی دلسوز و همدلگرمهربان بود بگونه ای با انسان معاشرت می کرد که هر رفیقی به راحتی می توانست گره های زندگی

نگاهی کوتاه به زندگی شهید نوری دهکردی

جمهوری اسلامی در تابستان ۱۳۴۵، تحت پیگرد قرار گرفت، ناچار شرک خانواده کرد و مخفی شد. در سال ۱۳۴۱ به کردستان آمد و در آنجا به ادامه کوششهایش برای برانداختن حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداخت. در طول اقامتش در کردستان دوستی عمیقی میان او و عبدالرحمن قاسملو و دکتر شرفکندی پیدا شد. او با دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران همبسته و همراه بود. دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی او را عضو افتخاری حزب دمکرات کردستان ایران می خواندند. نوری دهکردی در سال ۱۳۴۲ به برلین رفت و به خانواده اش در این شهر پیوست و در آنجا با کمک رسانی به کانسیون پناهندگان و فعالیت در راستای اسکان پناهندگان در شهر برلین به کوشش گسترده ای در دفاع از حقوق پناهندگان در برابر خشونت دست زد. در سال ۱۳۴۸ کوششهای خود را در جهت گردهم آوری افراد و گروههای چپ مستقل و آزادیخواه بازمانده و پراکنده دامن زد و در تدوین متن طرح پیشنهادی بررسی نزدیکی نظری عقلی نیروهای چپ دمکرات ایران در راستای تشکیل سیاسی واحد "کسسه مبنای این اتحاد و هماهنگی بود، شرکت جست. نوری دهکردی به همراه کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران در کنگره، انترناسیونال سوسیالیست شرکت داشت. پس از اتمام کار کنگره روز ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ به همراه کاک دکتر صادق شرفکندی و یارانش هنگامی که با نمایندگان دیگر اپوزیسیون به گفتگو نشسته بودند بر اثر شلیک گلوله های مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

نوری دهکردی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در شهر کردستان چهارمحال و بختیاری بدینا آمد و در او اطد هه چهل به اروپا سفر کرد و در دانشگاه "الیوبن" آتریش به تحصیل مشغول شد و چنسد سال بعد به برلین رفت و به تحصیل ادامه داد. نوری از ابتدای دوران دانشجویی به کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی پیوست و در کنگره ۱۳۵۲ کنفدراسیون جهانی به دبیری این سازمان انتخاب شد. او یکی از مخالفان سرشناس رژیم شاه بود و به هنگام شروع حرکت های مردمی بر ضد رژیم سلطنتی همراه دیگر یارانش به ایران بازگشت. پس از فروپاشی رژیم سلطنتی به همراه تعدادی از دوستان همفکرش "اتحاد چپ" سازمانی چپ، مستقل و آزادیخواه را بنیان نهاد. در چپبسه دمکراتیک ملی ایران برای آزادی قلم و بیان بر پایه، حکومت ملی و دمکراتیک، در ایجاد اتحاد بیسمن سازمانهای همفکر چپ و مستقل و آزادیخواه فعال بود و یکی از پایه گذاران شورای متحد چپ بود. با فروتنی گرفتن سرکوب رژیم

مختصری از زندگی پربار

شهید دکتر محمد صادق شرفکندی (سعید)

خود را پیش او بکشد و از راهنمایی ها و رهنمودهای خردمندانه اش بهره گیرد. کاک دکتر صادق ایمان محکم و اعتقاد عمیقی به همکاری و همزرمی خلقها و همه آزادیخواهان ایران داشت. بر این باور بود کسسه سرکونی رژیم آخوندی بسودن همبستگی و همکاری میسسان سازمانهای دمکرات و مترقی ایران امری ممکن یا دست کم آسان نمی باشد لذا از هر فرصتی بدین منظور استفاده میکرد و در عمل در تحقق آن می کوشید و سرانجام این مسیر جان خود را فدای آزادی ایران و خودمختاری کردستان نمود. یاد و نام شرفکندی همواره در خاطر ه ها خواهد ماند. مبارزه درخشان و فعالیت بی وقفه اش در جهت تحقق آرمانهای والای حزب دمکرات کردستان ایران و خلق کرد و خلقهای ایران و ویژگی های انقلابی، پس از شهادتش نیز راهما و الهام بخش مبارزین حزب و انقلابیون میهنمان خواهد بود.

مختصری از زندگی‌نامه شهید همایون اردلان

فعالیت سیاسی غافل نماند. در این مدت که در آلمان اقامت داشت، به عنوان یک عضو فعال بخش عمده وقت خود را به انجام وظایف حزبی اختصاص داده بود، و تال‌حظه، شهادت‌ش همچنان به آرمانهای حزب وفادار ماند.

کاک همایون به علت داشتن سجایای برجسته، اخلاقی و انسانی و دانش سیاسی‌اش و متانت و وقار خاص در رفتار و کردارش محبوب دوستان و آشنایان بود، و احترام همگان را نسبت به خود برمی‌انگیخت همه کسانی که کاک همایون را از نزدیک می‌شناختند او را تجسم یک انقلابی نجیب و دلسوز می‌دانستند. کاک همایون در دوران مبارزه سیاسی آبدیده شده بود و به کادر شایسته‌ای تبدیل گردیده بود. خدمات ارزنده‌ای رفیق همیشه در یاد رفقای حزبمان باقی خواهد ماند و نامش برای همیشه در دل‌هایمان زنده خواهد بود.

کاک همایون اردلان فرزند مظفرالسلطنه - سیف الله خان - از خانواده اردلان‌های سقز بود. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در سقز بپایان رساند. سال ۱۳۵۶ تحصیلات خود را در دانشگاه صنعتی تهران ادامه داد. همزمان با شروع انقلاب شکوهمند خلق‌های ایران دانشگاه را ترک و در سال ۱۳۵۷ به منظور شرکت در جنبش انقلابی خلق کرد به صفوف رزمندگان حزب دمکرات کردستان ایران پیوست. کاک همایون بدلیل لیاقت و کاردانی و آگاهی مدارح تشکیلاتی حزب را طی کرد و مسئولیت‌های بیشتری را به عهده گرفت، و به مسئول کمیته، "عیرثاوی" شهرستان

سردشت برگزیده شد. در کنگره، ششم حزب که در سال ۱۳۶۲ منعقد گردید، کاک همایون به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب گردید و بعنوان عضو کمیته، "آژوان" در جنوب کردستان رهسپار این منطقه شد. سپس از سوی دفتر سیاسی حزب مسئولیت کمیته حزبی سقز به او محول گردید، و تا سال ۱۳۶۴ عهده‌دار این مسئولیت بود. در جریان کنگره، هفتم خود را برای عضویت در کمیته مرکزی حزب کاندیدا نکرد و بعنوان سرپرست امور مالی و معاون رئیس بیمارستان "۲۵ گلاویز" مشغول بکار شد. پس از کنگره، هشتم با موافقت حزب کاک همایون رهسپار خارج از کشور گردید و در آن جا هم لحظه‌ای از

شوازهایی از زندگی شهید فتحاح عبدلی

سیاسی برای مدتی عهده‌دار مسئولیت کمیته، شهرستان نقده گردید. در کنگره ششم حزب بعنوان عضو علی‌البدل کمیته، مرکزی حزب انتخاب شد. از سوی دفتر سیاسی مسئولیت کمیته، شهرستان سنندج به وی محسوس گردید. در کنگره هفتم به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و بعنوان مسئول منطقه، یک جنوب کردستان (کرمانشاهان، سنندج و میروان) تعیین گردید. در پلنوم دوم بعد از کنگره هفتم عهده‌دار مسئولیت کمیته حزبی سردشت شد. در جریان کنگره‌های هشتم و نهم حزب مجدداً "کاک" فتحاح به عضویت کمیته مرکزی درآمد. متعاقب شهادت دکتر قاسم‌سو و رفقاییش، کاک فتحاح با صلاحیت کمیته مرکزی حزب وظیفه نمایندگی حزب در خارج از کشور را به عهده گرفت و تا لحظه شهادتش عهده‌دار ایمن مسئولیت بود.

کاک فتحاح روشنفکری انقلابی و مبارزی با ایمان و پیگیر بود. او در انجام وظایف انقلابی و حزبی خستگی نمی‌شناخت. وی انسانی خونسرد، ریزبین و با پشتکار بود. بدلیل خصوصیات بارز انقلابی و اخلاقی خود از محبوبیت خاصی در میان صفوف حزب برخوردار بود. کاک فتحاح همچون کادری لایق و کارآمد با ایمانی راسخ و پیگیر وسخت‌کوشی هرچه بیشتر راه حزب را دنبال کرد و تا واپسین دم حیات پرافتخار خویش به آرمانهای مقدس حزبی وفادار ماند و سرانجام در کنار رهبر خود جان سپرد.

یادش گرامی و راهش پررهرو باد!

رفیق دلسوز و مبارز کاک فتحاح عبدلی سال ۱۳۴۵ در روستای "وزنی" در منطقه "بلدوز" از توابع شهرستان نقده در میان خانواده‌ای زحمتکش چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را ابتدا در زادگاهش و سپس در نقده به پایان رساند. با شروع انقلاب شکوهمند خلقهای ایران علیه رژیم سلطنتی کاک فتحاح عبدلی همچون بسیاری از جوانان کردستان وارد عرصه سیاست شد. پس از آشنایی با برتاسمه و اسانامه، حزب دمکرات کردستان ایران و آغاز فعالیت علنی حزب همکاری خود را با عضویت در سازمان جوانان دمکرات شروع کرد، و به این ترتیب زندگی خود را با فعالیت های حزب و مبارزه رهاییبخش مردم کردستان گره زد.

کاک فتحاح بخوبی قادر به درک و ویژگیهای انقلابی را با کار عملی توأم کرده و در جریان فعالیت های حزبی آینده و کارآزموده گردید. در اولین دوره تربیت کادر شرکت نمود و از اوایل سال ۱۳۵۹ به منابه، کادر فعال و شایسته، حزب جای خود را در صفوف تشکیلات حزب دمکرات کردستان ایران باز نمود. او در طول ۱۲ سال فعالیت انقلابی در صفوف حزب دمکرات مسئولیت های گوناگونی را برعهده گرفت و شایستگی خود را در انجام موفقیت آمیز ایمن وظایف نشان داد. کاک فتحاح در اولین کنفرانس کمیته شهرستان نقده پس از آغاز فعالیت علنی حزب بعنوان عضو هیأت اجرائیه، کمیته شهرستان نقده برگزیده شد. پس از شرکت در کنگره، بنجم حزب از سوی دفتر

Wochen
auf vier kurdische
ker in Berlin
verhaftet. Wie
waltschaft ge
der 33jährige
22jährige Lib
san A. und
mann Hussa
7. und 8. C
worden. Aus ermit
Gründen hätte ma
die Verhaftunge
aus Karlsruhe
gen sind

Weitere Verhaftungen nach dem Berliner Kurden-Mord

Eine Spur führt in die Bonner Botschaft des Iran

15.10.1992
B. Z.

خانه ای که در خیابان پهرینسن شهر بن قرار دارد، روز دوشنبه بدستور دادستان کل کشور مورد بازرسی ماموران قرار گرفت. در این خانه طبق اطلاعات جدید روزنامه، کارکنان سفارت ایران ساکن هستند. از آنجا که بازرسی خانه در رابطه با ماجرای ترور افراد اهوزیسیون کسرد در برلین صورت گرفته، می توان چنین نتیجه گرفت که رد پای مشخصی از دخالت دولت ایران در ترور بیچشم می خورد. در این خانه علاوه بر دیگر وابستگان سفارت یک خانم آلمانی بنام اولریکه ه. نیز زندگی می کند که تا همین اواخر از طریق تلفن شماره ۸۱۶۱۱۶۹ در سفارت ایران قابل دسترسی بوده و همسر یکی از مسئولان سفارت میباشد. یکی از سخنگویان سفارت که توسط روزنامه برلینر تسا پیتونک مورد سوال واقع شد، از دادن پاسخ خودداری نمود. دادستان کل کشور نیز دیروز بعد از ظهر برای خبرنگاران قابل دسترسی نبود.

بازداشت دولبنانی به اتهام قتل دکتر شرفکندی و همراهان او

در آلمان دو نفر به اتهام شرکت در سوء قصدی که روز ۲۶ شهریور به شهادت دکتر شرفکندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران و همراهان او در برلین انجامید، دستگیر شدند. الکساندر فون اشتال دادستان کل آلمان روز سه شنبه ۱۴ مهر ماه اعلام کرد این دو نفر، در آلمان تقاضای پناهندگی سیاسی کرده بودند و اهل لبنان اند.

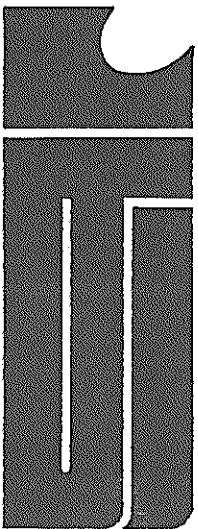
دستگیری دو مظنون، روز ۱۲ مهر ماه در شهر راینه ایالت نوردراین - وستفالن که حدود چهار صد کیلومتر با برلین فاصله دارد، صورت گرفت. شامگاه دوشنبه ۱۳ مهر ماه، بازپرس تحقیق دیوان عالی کشور آلمان بنابه تقاضای دادستان کل، قرار بازداشت این دو نفر را به علت "ظن قوی قتل چهار نفر و تلاش برای قتل یک نفر" صادر کرد. مقامات آلمانی می گویند قاتل

سوم هنوز شناسایی نشده است. دستگیر شدگان، عبارتند از عباس رایل ۲۵ ساله، اهل لبنان، معروف به هماداماش و یا رافب، و نیز یوسف امین، ۲۴ ساله، اهل لبنان. در حکم بازداشت این دو نفر آمده است که آنها متهمند به اینکه روز ۲۶ شهریور دقایقی قبل از ساعت ۲۳ به اتفاق یک نفر که تاکنون ناشناس مانده است، وارد اتاق عقبی رستوران "میکونوس" برلین شده اند. در حالی که یوسف امین "جنب در ورودی رستوران کشیک می داد، دو ضارب به سوی هشت نفر ایرانی حاضر آتش گشودند، که در نتیجه، صادق شرفکندی و سه همراه او کشته و صاحب رستوران به شدت مجروح شدند.

دو ضارب، از تپانچه ای از نوع "لاما" و مسلسلی از نوع "ایچی" با صدا خفه کن استفاده کردند. هر دو سلاح، پنج روز بعد

در یک ساک ورزشی که زیر یک اتومبیل پارک شده قرار گرفته بود، پیدا شد. بر روی تپانچه لاما، اثر کف دست رایل، یکی از دستگیر شدگان، نقش بسته است. رایل و امین در حالی دستگیر شدند که می خواستند برای فرار از آلمان اوراق هویت جعلی تهیه کنند. هر کدام از آنها هنگام دستگیری ۱۵ هزار مارک پول نقد همراه داشتند. دادستانی کل آلمان می گوید هنوز معلوم نیست قاتلان از چه کسانی دستور گرفته اند.

مراسم
واپسین وداع
در "پرلاشز"
در صفحه ۷



از کار مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

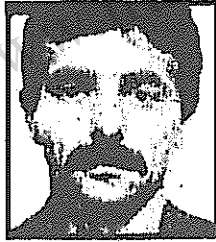
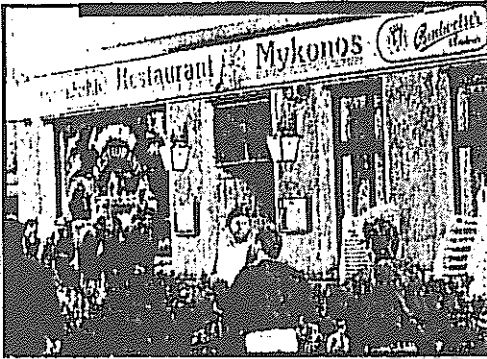
چهارشنبه ۲۲ مهر ماه ۱۳۷۱ - ۱۴ اکتبر ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۴۵

KAR, No. 45 Wednesday 14 Oct 1992

25 September - 1 October 1992, No. 27

شماره ۲۷، جمعه ۳ مهر ۱۳۷۱

ترور خونین مخالفان جمهوری اسلامی در برلین



محل ترور، و تصاویر بازسازی شده چهره تروریستها

● دبیرکل و ۲ نفر دیگر از مسئولین حزب دموکرات کردستان ایران به قتل رسیدند

● سخنگوی دادگاه فدرال آلمان: احتمال دارد ترور بوسیله سرویس های اطلاعاتی دولت ایران انجام شده باشد

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی حادثه برلین را ادامه تبلیغات حقوق بشر علیه دولت ایران دانست

● حزب دموکرات کردستان ایران جمهوری اسلامی را عامل ترور دبیر کل خود معرفی میکند

ا. تریبون

بود که برای شرکت در کنگره انترناسیونالیست سوسیالیستی در برلین به سر می برد. مقامات جمهوری اسلامی هرگونه دخالت حکومت ایران در این ماجرا را انکار می کنند، اما به نظر منابع مستقل عامل این جنایت جمهوری اسلامی بوده است. صفحه ۵

پنجشنبه گذشته چهار تن از مخالفان جمهوری اسلامی در شهر برلین ترور شدند. ترور بوسیله مهاجمین ناشناس و با شلیک مسلسل صورت گرفت و قاتلین موفق به فرار شدند. یکی از افراد به قتل رسیده محمد صادق شرفگندی دبیرکل حزب دموکرات

تُرور خونین چهار نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در برلین

رهبر حزب دموکرات و هشت تن دیگر از فعالین مخالف جمهوری اسلامی هنگام گفتگو در یک رستوران در شهر برلین به مسلسل بسته شدند
جلال طالبانی: عامل این ترور جمهوری اسلامی است

۱. تریبون

دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران و سه تن دیگر از شخصیت های مخالف جمهوری اسلامی در شهر برلین میورد سوء قصد قرار گرفته و جان باختند.

حادثه ترور در ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه پنجشنبه ۱۹ سپتامبر در یک رستوران شهر برلین اتفاق افتاد. در این رستوران دبیر کل حزب دموکرات و دو تن دیگر از کادرهای این حزب با چند تن از اعضای سایر سازمان های اپوزیسیون جمهوری اسلامی مشغول دیدار و گفتگو بودند که ناگهان میورد حمله یک ناشناس که صورت خود را پوشانده و مسلسل در دست داشت قرار می گیرد. فرد مسلسل به دست جمع را به رگبار می بندد و در نتیجه محمد صادق شرفکندی، دکتر سمید، دبیرکل حزب دموکرات، فتاح عبدل لمایندة حزب در اروپا، همایون اردلان لمایندة حزب در المان و نوری دهکردی یکی از نمایین چپ که در گفتگو شرکت داشت، در دم جان می سپارند. در این حادثه عزیزالله طیب نغاری یکی از مسئولین سازمان فدائیان خلق اکثریت! نیز به شدت مجروح می گردد.

ده نایبه

رگبار مداوم مسلسل

پرویز دستمالچی که از جانب جمهوریخواهان مل ایران در این نشست شرکت داشت، در مصاحبه با بخش فارسی رادیو سوئد جزئیات حادثه ترور را چنین شرح می دهد

ده نایب

رگبار مداوم مسلسل

پرویز دستمالچی که از جانب جمهوریخواهان مل ایران در این نشست شرکت داشت، در مصاحبه با بخش فارسی رادیو سوئد جزئیات حادثه ترور را چنین شرح می دهد
تا در ساعت ۹ در رستوران جنج شدم و در مجموع ۹ نفر بودیم.

برده ای از دود

پلیس المان اعلام کرد که تحقیقات گسترده ای را برای رسیدگی به حادثه ترور آغاز کرده است و یک گروه ۷۰ نفره، از جمله ۲۵ کارشناس حسابی از اداره مرکزی پلیس جنایی المان، مامور تعقیب جنایت برلین شده اند. پلیس بر مبنای مشاهدات شاهدان عینی تصویری از دو نفر از مهاجمان تهیه کرده و در اختیار رسانه ها قرار داده است. به گفته مقامات پلیس طی ۲۴ ساعت پس از انتشار این تصاویر بیش از ۲۰ نفر با پلیس تماس گرفته و اطلاعاتی در اختیار مأمورین قرار داده اند. در عین حال مقامات می گویند مدارک و شواهد بسیار محدودی از شمارین در دست دارند و هر چه زمان بیشتر بگذرد امکان دستگیری آنها کمتر می شود. بنا به گزارشاتی که در روزنامه های ایران نیز درج شده هانس زورن فولرستر سخنگوی دادگاه فدرال المان ۱۸ ساعت پس از وقوع جنایت اعلام کرد پلیس هنوز هیچگونه سر نخ حذی ای از قاتلین در دست ندارد. وی گفت این سوء قصد می تواند از سوی گروه های ایرانی یا حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) صورت گرفته باشد. وی صحت تصریح کرد که "گروه های ایرانی" سرویس های اطلاعاتی دولت ایران را نیز شامل می شود.

از سوی دیگر لمایندگی پ.ک.ک در اروپا با انتشار بیانیه ای در کلی به این که از این حزب بعنوان عامل احتمالی سوء قصد نام برده شده است شدیداً اعتراض نمود. در این اطلاعیه با ذکر این که بین حزب کارگران کردستان ترکیه و حزب دموکرات کردستان ایران هیچگونه مناقشه ای وجود ندارد، گفته شده دادگاه فدرال با متهم کردن این حزب سعی دارد "برده ای از دود" بر روی سوء قصد بکشد.

کسانی که در جلسه شرکت داشتند دکتر سمید شرفکندی دبیرکل حزب دموکرات، دکتر فتاح نمایندة حزب دموکرات در اروپا، همایون نمایندة حزب دموکرات در المان، از طرف نیروهای چپ وسیع دموکراتیک نوری دهکردی بود و از طرف جمهوریخواهان پرویز دستمالچی و دو نفر از سازمان چریک های فدایی خلق اکثریت و یک نفر از سازمان راه فدایی. حدود ساعت یازده سه نفر به رستوران می آیند. یک نفر بیرون می ایستد و یک نفر جلوی درب و نفر بعدی می آید. صوتش را پوشانده بود و روی مسلسل که در دست داشت دستمال انداخته بود. ما در حین صحبت بودیم که دیدیم یک نفر یک مرتبه در پشت ما سبز شد و فریاد کشید "فادر تجبه ها" و همه را به گلوله بست. یک عده ای به زیر میز خزیدند. هرکس گوشش کرد خود را به گوشه ای بکشد و از تیروس مضمون بماند. بعد از حدود ۱۰ ثانیه رگبار مسلسل، حدود ۴۰ تا ۵۰ گلوله شلیک شد. من که در زیر میزی افتاده بودم بعد از قطع صدای مسلسل به طرف بالا نگاه کردم یک دستی دیدم که کلتی دران بود و بطرف شرفکندی نشانه رگبار بود. آنها او را نشان کرده بودند و می خواستند مطلقن شوند که خالی کردند و بعد فرار کردند.

بدنیال این حادثه کمال داوودی سخنگوی حزب دموکرات در پاریس گفت رستوران محل ملاقات به عنوان محل اپوزیسیون ایرانی شناخته شده و از لحاظ امنیتی به اصطلاح "سوخته" بوده است. وی در عین حال گفته: ابتدا قرار بود جلسه جمعه شب باشد اما به دلایل نامعلومی ۲۴ ساعت جلو افتاد و معلوم نیست چگونه اکیب ترور به تشکیل این جلسه پی برده است.

عامل ترور جمهوری اسلامی است

ترور صادق شرفگندی که برای شرکت در کنگره انترناسیونال سوسیالیستی به برلین رفته بود با واکنش وسیعی از جانب شرکت کنندگان در این کنگره مواجه شد. پیر سوروا رئیس انترناسیونال سوسیالیستی و نخست وزیر اسبق فرانسه شدیداً این جنایت را محکوم ساخت و جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که در اجلاس شرکت داشت مأمورین جمهوری اسلامی را عامل ترور دانست. حزب دموکرات، سازمان فدائیان و تعدادی از دیگر سازمان های اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز حکومت ایران را مسئول و عامل ترور شرفگندی و همراهانش معرفی کرده اند. به نظر منابع آگاه با توجه به سابقه جمهوری اسلامی در ترور مخالفینش، اعتراضات اخیر وزیر اطلاعات رژیم ایران، و همچنین اطلاعات و امکاناتی که قاتلین شرفگندی در اختیار داشته اند، در پشت این جنایت نیز باید بدنبال دست های حکومت ایران گشت.

سه هفته قبل علی فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرد که مأمورین اطلاعاتی جمهوری اسلامی اعضای گروه های اپوزیسیون در کشورهای دیگر را مورد تعقیب و مراقبت قرار می دهند و به این سازمان ها شریکات مولدی وارد ساخته اند. وی در سخنان خود بویژه تأکید کرد که عاملین جمهوری اسلامی به کادوهای سازمان های فعال در کردستان ایران شریکات سختی وارد کرده اند.

شرفگندی دومین دبیر کل حزب دموکرات است که قربانی ترور میشود. دبیر کل سابق حزب دموکرات، عبدالرحمان قاسملو نیز در ژوئیه ۱۹۸۸ در شهر وین اتریش هنگامی که مشغول مذاکره با نمایندگان جمهوری اسلامی بود با دو تن از همراهانش به قتل

رسید. همه شواهد نشان دهنده آن است که این جنایت نیز بوسیله عوامل جمهوری اسلامی انجام شده است. همچنین حزب دموکرات کردستان حدود ماه گذشته اعلام کرد که شاهپور فیروزی یکی از اعضای رهبری این حزب بوسیله عوامل اعزامی جمهوری اسلامی با شلیک گلوله به قتل رسیده است.

تخریب رابطه

جمهوری اسلامی با اروپا

سفارت جمهوری اسلامی در پاریس هر گونه ارتباط بین جمهوری اسلامی و ترور شرفگندی و همراهانش را مورد تکذیب قرار داد. سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز ضمن رد دخالت حکومت ایران در این واقعه، اظهار داشت: این حادثه در ادامه تحرکات چند ماه گذشته علیه جمهوری اسلامی ایران و تبلیغات مربوط به حقوق بشر می باشد. وی گفت این حرکت ها در جهت تخریب فعالیت های مثبت و مفید جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اروپایی انجام می شود. سخنگوی وزارت خارجه طبق معمول این ترور را ناشی از تسویه حساب های درون گروهی دانست و افزود جمهوری اسلامی آماده همه گونه همکاری با دولت آلمان در جهت روشن شدن موضوع می باشد.

روپای تروور این بار نیز به تهران میگرد

• پلیس آلمان، تروورست ها ایرانی اند و احتمالاً با پاسپورت ایرانی وارد آلمان شده اند.

۱. تروور
پلیس آلمان اطلاعات تازه ای در باره جزئیات تروور برلین منتشر نمود. روزنامه های آلمان می نویسند این یاد نیز ردیابها به جمهوری اسلامی می رسد.
هفته گذشته پلیس آلمان اعلام کرد که به سرانجام پلیس تروورست تروور صادق شرفکندی و سه تن از همراهان وی که در پنجمین ۱۱ سپتامبر در یک دستوران در برلین اتفاق افتاد، دست یافته است. به گزارش پلیس برلین راننده اتومبیل که پلیس چنانچه برلین اطلاع داده است که حدود ساعت ۴ شب حادثه سه نفر را که در لایر اتان به عکس های بازسازی شده مشخصات فیزیکی یکی از تروورست ها شبیه بوده اند از متعلقه ای در برلین می برد.

قتل دست داشت است. این روزنامه می الزامد نباید اجازه داد که با چنین دولتی که کماندوهای قاتلش ردیابها را خونین از خود بجا می گذارد ارتباطا دولتی فعال وجود داشته باشد.
کلیه احزاب و سازمان های مخالف جمهوری اسلامی در بیانیه هایی که در محکومیت تروور برلین منتشر ساخته اند جمهوری اسلامی را مسبب این جنایت معرفی کرده اند. از جانب احزاب و شخصیت های سوسیالیست اروپایی نیز این تروور قویا محکوم گردید.
صادق شرفکندی برای شرکت در کنفره بین الملل سوسیالیستی به برلین سفر کرده بود. پسر سوورا و ولیس اترناسیونال سوسیالیستی با انتشار یک بیانیه رسمی این تروور را شدیداً محکوم نمود و از کلیه احزاب و انجمن های

است. «تایمات دولت آلمان سعی می کنند اذهان عمومی را از کتا مهم طبیعی و سابقه دار این جنایت یعنی جمهوری اسلامی منحرف کنند. آلمان بزرگترین شریک تجاری جمهوری اسلامی است و روابط سیاسی و اقتصادی او به گسترش با حکومت ایران دارد. هانس زوگن فولرستر سخنگوی دادگاه فدرال آلمان ۴۸ ساعت بعد از جنایت از گروه های ایرانی و همچنین حزب کارگران کردستان ترکیه» بعنوان عاملین احتمال تروور نام برد. حزب کارگران کردستان ترکیه بلافاصله با صدور اطلاعیه ای این اتهام را رد کرد و آنرا کوششی از جانب دولت آلمان برای پرده پوشی واقعیات نامید.
روزنامه های آلمان برخورد بیطرفانه و واقع بینانه تری به ماجرای تروور شرفکندی و همراهانش داشتند. روزنامه 'فرانکفورتر رولد شاول' در گزارشش تحت عنوان 'دیواره ردیابها به توران می رسند' ضمن توضیح جزئیات حادثه از قول شاهدان آلمانی، و نقل اظهارات چند هفته قبل وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی مبنی بر تعقیب و مجازات مخالفین حکومت ایران در خارج کشور، ایران را بعنوان ملتخون شماره یک معرفی می کند. یکی از روزنامه های غرب آلمان نیز نوشت 'گرچه قاتلین هنوز شناخته نشده اند ولی می توان فهمید که پلیس مخفی ایران در این

پارکینگ یک فروشگاه اتومبیل در برلین کشف کرده است. مساملس از نوع پوزی ساخت اسرائیل و اسلحه کمربی نوع لاما ساخت اسپانیا است. مأمورین پلیس مشغول بررسی پیش از ۶۰ فقره اطلاعات دریالتی در مورد ماجرای تروور برلین می باشند. با این همه پلیس می گوید هنوز سرخ قابل ملاحظه ای در پیگرد قاتلین بدست نیابوده است. پلیس آلمان برای هر کسی که اطلاعاتی در اختیار پلیس بگذارد که بتواند به دستگیری قاتلین منجر شود ۵۰ هزار مارک جایزه تعیین کرده است. پلیس معتقد است قاتلین که کاملاً حرفه ای عمل کرده اند، ایرانی بوده و احتمالاً با پاسپورت لبنانی وارد آلمان شده اند. به گفته یکی از کسانی که در جلسه حضور داشته است قرار بوده است این جمع روز جمعه در دستوران میکولوس ملاقات کنند، اما تاریخ ملاقات بطور غیرمترقبه و تلفنی یک روز به جلو می افتد. پلیس احتمال می دهد که این تغییر تاریخ جزئی از توطئه تروور باشد. کارشناسان پلیس می گویند برای آدمکشان حرفه ای که کارشان را در دراز مدت برنامه ریزی می کنند روز و ساعت جنایت اهمیت زیادی دارد و احتمالاً قاتلین نقشه خود را برای روز پنجمین طراحی کرده بوده اند.
جنایت دستوران میکولوس در سال های اخیر در برلین بی سابقه بوده

هدف اصلی عملیات تروور که در ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه پنجمین ۱۹ سپتامبر در دستوران میکولوس، که صاحب آن یک کرد ایرانی و محل تجمع مخالفین جمهوری اسلامی است، در برلین صورت گرفت، صادق شرفکندی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران بود. وی به همراه دو تن دیگر از مسئولین حزب دموکرات با ۶ تن از نمایین سایر سازمان های اپوزیسیون جمهوری اسلامی در این دستوران مشغول دیدار و گفتگو بودند که مورد حمله مسلسل و اسلحه کمربی مهاجمین فرانسوی قرار گرفت.
یکی از مهاجمین که ماسکی به صورت داشت پس از ناسزا گویی به زبان فارسی، صادق شرفکندی را در رگبار مسلسل بست و نفر دوم با اسلحه کمربی سه گلوله به سر وی شلیک کرد.
علاوه بر شرفکندی، همایون اردلان و فتح عیدلی از حزب دموکرات، و توری دهکردی یکی از کردهای ایرانی مخالف جمهوری اسلامی کشته می شدند، و عزیزالله طبیب لغاری از مسئولین سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و عزیز لغوی صاحب دستوران، مجروح می گردند. قاتلین سپس به وسیله یک بنز نقره ای رنگ که جلوی در دستوران منتظر آنان بوده است؛ از محل جنایت می گریزند.
هفته گذشته پلیس آلمان اعلام کرد که مسلسل و اسلحه کمربی و ملقادهی لباس متعلق به تروورست ها را در

سوسیالیست خواست که با تمام قدرت این سوء قصد لجاج را محکوم کنند. وی ضمن ابراز همدردی نسبت به جامعه کردها اعلام کرد جریان تحقیقات پلیس برای یافتن فائزین را شخصا پیگیری خواهد کرد. انگهولم، رهبر حزب سوسیال دموکرات آلمان نیز خبر قتل دبیر کل حزب دموکرات را شدیداً تکان دهنده توصیف کرد و این جنایت را قویاً محکوم نمود. پس از ترور شرفگندی و همراهان وی، جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق که وی نیز به منظور شرکت در بین الملل سوسیالیستی در برلین به سر می برد، جمهوری اسلامی را عامل این ترور معرفی نمود و گفت ترویرسم ایران علیه خائن کرد ادامه می یابد.

از سوی دیگر گزارشات رسیده حاکی است هفت گذشته از جانب ایرانیان ملیم برلین اگسیون اعتراضی علیه اقدامات ترویرستی جمهوری اسلامی در مقابل رستوران محل وقوع جنایت صورت گرفت. در این اگسیون پلاکاردهایی پشم می خورد که بر آن نوشته شده بوده سفارتخانه های جمهوری اسلامی، مراکز ترور همیشه خود هرگونه دخالت در ترور برلین را مورد تکذیب قرار می دهند و آنرا به اختلافات درونی نیروهای اپوزیسیون نسبت می دهند. بدنبال ترور برلین روزنامه جمهوری اسلامی از قول یک منبع ناشناس کرد عراقی ادعا کرد شرفگندی بوسیله مخالفین خود در حزب دموکرات به قتل رسیده است. به

ادعای روزنامه جمهوری اسلامی این منبع ناشناس که عضو یکی از گروه های کرد عراقی معرفی شده به خبرنگار این روزنامه گفته است که در حزب دموکرات گردستان ایران اختلافات عمیقی بر سر مساله خودمختاری وجود دارد.

این داستان از جانب مقامات و سایر رسانه های ایران پی گرفته نشد. آنان ترجیح دادند این بار پای عوامل خارجی و مشخصاً آمریکا را به ماجرای ترور مخالفین خود بکشند. هفت گذشته موسویان سفیر جمهوری اسلامی در بن ضمن تکذیب هر نوع ارتباط میان حکومت ایران و ترور اخیر برلین اعلام کرد ایران آماده است جهت روشن شدن موضوع این قتل با دولت آلمان همکاری کند. وی همچنین این حادثه را از جمله اقدامات برخی عوامل خارجی که قصد تخریب روابط خوب جمهوری اسلامی و آلمان را دارند نامید. ناطق نوری رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه گردهمایی امام جمعه های سراسر ایران گفت " ترور رهبران حزب دموکرات نتیجه عمل کرد آمریکاست که می خواهد روابط ایران و آلمان را تیره سازد." وی افزود آمریکا قصد دارد با این ترندها چهره خشنی از ایران در رساله های جهان تصویر کند.

از سوی دیگر هفت گذشته کمیته مرکزی حزب دموکرات اعلام نمود که مصطفی هجری معاون شرفگندی و عضو دفتر سیاسی این حزب مولتا به سمت دبیرکل حزب منصوب شده است.

تشکیل کمیته اعتراضی علیه ترور

کمیته ای به نام کمیته اعتراض علیه ترویرسم جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که به نشانه اعتراض علیه ترور جنايتكارانه مخالفین جمهوری اسلامی که در برلین اتفاق افتاد در تاریخ دوشنبه ۲۸ سپتامبر دفتر مرکزی حزب سوسیال دموکرات آلمان در شهر هانوفر را اشغال کرده است. در این اطلاعیه خواست های

این کمیته به این شرح اعلام شده است:

- طرح مساله ترور در پارلمان آلمان از سوی حزب سوسیال دموکرات
- قطع رابطه سیاسی - اقتصادی با رژیم اسلامی
- بستن تمامی دفاتر فرهنگی و سفارتخانه های جمهوری اسلامی بدون مراکز جاسوسی و ترور
- حفظ امنیت جانی پناهندگان سیاسی

IRAN TRIBUNE

INTERNATIONAL PERSIAN WEEKLY

11 - 17 September 1992, No. 25

شماره ۲۵، جمعه ۲۰ شهریور ۱۹۹۲

جمهوری اسلامی به ترور مخالفان اعتراف می کند

وزیر اطلاعات ایران فاش کرد که ماموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی به گروه‌های مخالف حکومت در خارج ضربه میزنند

از جمله 'ضربات' مورد اشاره وزیر اطلاعات ایران ترور بیش از ۱۵ نفر از مخالفین جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف است که تا کنون مقامات جمهوری اسلامی علیرغم وجود شواهد و دلایل روشن، دست داشتن دولت ایران در این جنایت‌ها را انکار می کردند. صفحه ۵

جمهوری اسلامی اعضای سازمان‌های اپوزیسیون در خارج کشور را فعالانه تحت تعقیب و مراقبت قرار داده‌اند. وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از مامورین این وزارتخانه بخاطر اقداماتی که وی آنها را 'ضربات وارده به گروه‌های اپوزیسیون در خارج کشور' نامید، تذرانی نمود.

این سازمان‌ها ضرباتی وارد ساخته‌اند.

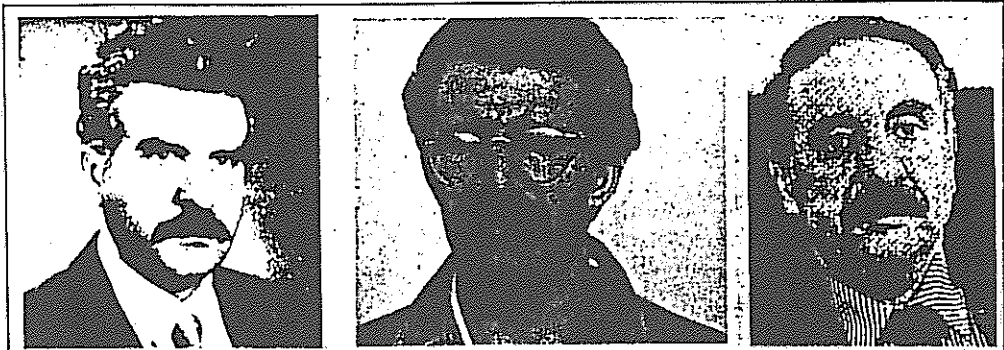
حجت‌الاسلام علی فلاحیان ضمن تشریح فعالیت‌های وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی که یکشنبه ۸ شهریور (۳۰ اوت) از سیمای جمهوری اسلامی پخش گردید، فاش ساخت که سرویس‌های اطلاعاتی

آ. تریبون

علی فلاحیان وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام کرد که مامورین امنیتی دولت ایران اعضای سازمان‌های اپوزیسیون حکومت در کشورهای دیگر را تحت تعقیب قرار داده و به

جمهوری اسلامی به ترور مخالفان اعتراف می کند

از صفحه ۱



عبدالرحمان فاسملو در وین، غلام کشاورز در قبرس و صدیق کمانگر در کردستان عراق بدست عوامل جمهوری اسلامی ترور شدند

اطهارات وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در مورد فعالیت مامورین دولتی ایران علیه نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور، گزارشی را که تا کنون از جانب دولت ها و مطبوعات غربی در این مورد منتشر شده است مورد تایید قرار می دهد. اواخر اردیبهشت ماه گذشته دولت سوئد دو جاسوس وابسته به دولت ایران را که علیه مخالفین جمهوری اسلامی در سوئد فعالیت می کردند دستگیر نمود و اعلام کرد که آنها عضو یک شبکه وسیع جاسوسی هستند که به نفع دولت ایران در بین گروه های مخالف و پناهندگان ایرانی مقیم سوئد به فعالیت مشغول است. تا کنون دو تن از پناهندگان و فعالین مخالف جمهوری اسلامی در سوئد ترور شده اند. غلام کشاورز عضو حزب کمونیست ایران و سخنگوی فدراسیون شوراهای پناهندگان ایرانی در سال ۸۹ در شهر لژانگا قبرس و عفت قاضی همسر امیر تهاش از رهبران حزب استقلال کردستان در سال ۹۰ در شهر وستروس سوئد بوسیله عوامل ناآشناس به قتل رسیدند. شواهد و قرائن نشان دهنده آن است که این ترورها بوسیله عوامل وابسته به حکومت ایران صورت گرفته است.

در رابطه با قتل شاپور بختیار نیز تا کنون چندین نفر از عوامل جمهوری

اسلامی بوسیله پلیس فرانسه و سوئیس دستگیر شده اند و حکم جلب حسین شیخ عطار معاون وزیر پست و تلگراف ایران نیز به اتهام شرکت در این توطئه از سوی مقامات قضائی فرانسه صادر شده است. سال گذشته قاضی ژان لویی یوگیه مسئول رسیدگی به پرونده بختیار اعلام نمود مدارک متعددی در دست دارد که نشان می دهد دولت ایران در ترور عبدالرحمن بیرومند، سیروس الهی و دو تن دیگر از مخالفین جمهوری اسلامی که در سالهای ۹۰ و ۹۱ در پاریس به قتل رسیدند، نیز دست داشته است.

همچنین دو ماه پس از قتل کاظم رجوی در آوریل سال ۱۹۹۰ در سوئیس، رولان شاتلن قاضی سوئیس مأمور رسیدگی به این پرونده اعلام کرد که تحقیقات وی نشان می دهد یک یا چند دستگاه وابسته به جمهوری اسلامی در این توطئه شرکت داشته اند. وی گفت برای انجام این توطئه ۱۲ نفر با گذرنامه ایرانی انجام ماموریت به سوئیس آمده بودند. در اواخر سال گذشته پس از ترور شاپور بختیار روزنامه فرانسوی نیگارو فاش کرد که جمهوری اسلامی یک مرکز بین المللی انجام عملیات تروریستی در سوئیس دایر کرده است. لیگاریو با استناد به اطلاعات سازمان سیا نوشت وایلفه این مرکز که ستاد عملیات واراگ

وزارت اطلاعات و امنیت کشور) نام دارد. فرماندهی و تصمیم گیری برای مجازات و اعدام مخالفین رژیم ایران در خارج کشور است و در آن جاسوسان و عوامل جمهوری اسلامی تحت تعلیم قرار می گیرند.

وزیر اطلاعات ایران در برنامه تلویزیونی خود شخصاً به اجزای و نیروهای فعال در کردستان ایران اشاره کرد و گفت سرویس های اطلاعاتی جمهوری اسلامی به کادروهای احزاب فعال در کردستان ضربات سختی وارد ساخته اند.

یک هفته قبل از این اظهارات، حزب دموکرات کردستان ایران با انتشار اطلاعیه ای در مورد فعالیت های تروریستی اخیر عوامل جمهوری اسلامی در شهرهای کردستان ایران و در نواحی مرزی کردستان عراق که نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی دارای پایگاه هستند، هشدار داده بود. در این اطلاعیه گفته شده که اخیراً اتومبیل که بوسیله مامورین جمهوری اسلامی به منظور عملیات خرابکاری علیه نیروهای اپوزیسیون-بمب گذاری شده بود در محوطه اداره اطلاعات مرزبان منقرض شده است. این حزب همچنین در اواخر ماه مه گذشته اعلام کرد که شامپور نبیروزی یکی از اعضای رهبری این حزب بوسیله عوامل اجزای جمهوری اسلامی با شایک گلوه

به قتل رسیده است. یکی دیگر از کادروهای فعال مورد اشاره وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی صدیق کمانگر از رهبران کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران است که سه سال قبل در یکی از پایگاه های این سازمان در کردستان عراق بوسیله یک عامل نفوذی جمهوری اسلامی ترور شد. آخرین عملیات تروری که علیه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان صورت گرفته است، قتل یکی از فعالین سازمان اتحادیه کمونیست های ایران بنام کامران منصور مقدم است که طبق اطلاعیه این سازمان اخیراً در شهر سلیمانیه عراق به دست عوامل دولت ایران صورت گرفت. وزیر اطلاعات ایران گفت در سال گذشته ۵ تن اطلاعیه ضد جمهوری اسلامی که توسط نیروهای اپوزیسیون در کردستان منتشر شده بود، در مناطق مرزی ایران ضبط شده است.

علی فلاحیان در بخش دیگری از سخنان خود ادعا کرد که مامورین اطلاعاتی ایران در سطوح بالای حکومت کشورهای که علیه ایران فعالیت می کنند رخنه کرده اند. وی همچنین گفت اخیراً نیروهای امنیتی ایران ماموران سرویس های امنیتی ترکیه، آمریکا و چند کشور عربی را دستگیر کرده و به مقامات قضائیه تحویل داده اند.

تلکس چهار صفحه‌ای و کاملاً محرمانه فضای کریسمس را دلپذیر نکرد. سه روز قبل از شب مقدس کریسمس ۹۲، ساعت ۱۳:۵۴ خبر ژنگ خطر اداره جنایی فدرال بر روی خط تلکس وزارت خارجه و وزارت کشور بین افتاد. اداره جنایی در گزارش که برای همه شعبه‌های خود فرستاده، خبر از اقدامات تروریستی در آلمان و رپوندت شهرزندان آلمانی می‌دهد. به عقیده متخصصان امور امنیتی در شهر یکن هایم در نزدیکی بن ساوایم تهیه به ترو، آدم ربایی و پمب گذاری است و به عقیده آن‌ها آن خط خون سازمان اطلاعات و امنیت ایران سال هاست که در اروپای غربی دیده می‌شود. مأموران ساوایم با سلاح گرم و سرد، ایسوزیسیون را در خارج از کشور پیرجمانه هدف قرار می‌دهند. آلمان فدرال برای ساوایم مکان مورد دلخواهی شده است.

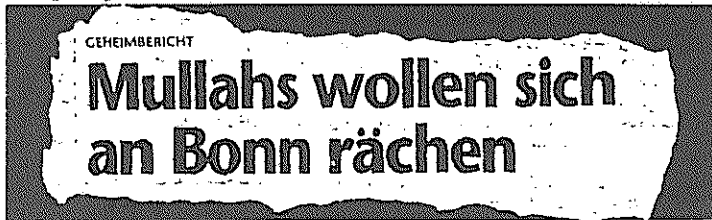
طبق خبر ب. کا. آ. (اداره جنایی آلمان) دولت ایران به هیچ وجه حاضر نیست که به خاطر حفظ روابط خوب متقابل هم که شده دست از اقدامات تروریستی در این کشور بردارد. مأموران رژیم آلموندی حاضرند دست به هر کاری بزنند.

ب. کا. آ. خاطر نشان می‌کند که حکم تعقیب علیه کسانی که سرخ در دستشان است، تنها عملیات تروریستی علیه شهرزندان آلمان را به دنبال خواهد داشت.

علت این ژنگ خطر تحقیقات مقامات آلمانی در رابطه با ترور سران حزب دموکرات کردستان ایران در برلین است.

در برلین، خیابان پراگ ۲۸، به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، ساعت ۱۳:۵۴، در یکی از اتاق‌های ثبت رستوران میکوتزو هشت نفر از سران ایسوزیسیون نکته بودند که در همین هنگام دو نفر مرد با اسلحه دارای صداخفکن به داخل وارد می‌شوند و شروع به تیراندازی می‌کنند. یک

آلمان شکار گاه جمهوری اسلامی برای از بین بردن مخالفان شده است



مهدست مراقب در ورودی می‌باشد. بدین ترتیب چهار نفر از سران حزب دموکرات کردستان ایران کشته می‌شوند.

موفقیت در تحقیقات: پلیس بعد از تنها دو هفته دو نفر از تروریست‌های احتمالی را در شهر راینه مستگیر می‌نماید. عباس (۲۵ساله) و شخصی که دم در ایستاده بود، یوسف آ. (۲۲ساله)، هر دو پناهنده‌های لیثانی و عضو گروه تروریستی حزب الله می‌باشند. با دستگیری ی بعدی فردی که دستگیر با عیاری این عملیات تروریستی را داده بود، موفقیت نامطمئن برای مقامات آلمانی آغاز می‌شود.

کاکلم: (۳۳ساله) که پول، ماشین، اسلحه و خانه مخفی در برلین در اختیار تروریست‌ها داده بود، براساس اطلاعات ب. کا. آ. مأمور مخفی رژیم می‌باشد. براساس این اطلاعات، وی در رابطه با تمام عملیات با سرکنسول جمهوری اسلامی در برلین صحبت کرده بود. ساختمان خاکستری رنگ واقع در میدان استاونگر در منطقه پانکور برلین مدت زیادی است مرکز عملیات تروریستی در اروپاست.

براساس اطلاعات ب. کا. آ. با تروریست‌ها به طور مرتب در یک مسجد در نزدیکی دروازه کیتوس Kottbus Tor می‌کرده و نقشه ترور مخالفان را به طور دقیق و مخفی بررسی می‌کردند. مسؤولین جنایی حادثه برلین، از همان اول با مقاومت سیاستمداران مواجه شدند.

بوستا، یکی دادگستری کارلر رومه، تلفتی از وزارت دادگستری دریافت کرد که در آن تقاضا شده بود، پای رژیم تهران را زبایدی داخل مسأله نکند.

بن، قول دادند که خبر آن در نخواهد کرد. برای مقامات امنیتی آلمان مثل روز روشن است که مقامات سفارت ایران در برلین زوهای خبری به سراغ دانشجویان مخالف رژیم می‌فرستد.

همه می‌دانند که خانه ایران در خیابان Parkstr 5 در شهر کلن ایستگاه مهم مأموران امنیتی رژیم ایران است و رئیس اول شناختیم، وی گرسنه بود و نان خود را قلی داشت، بدون درمان پزشکی، حتی به وی اجازه ندادند که دندان هایش را درمان کنند. سفیر آلمان در ایران هیچ کاری برای بدوم انجام نمی‌دهد. وقتی که ما اینجا بودیم صیلمت‌ها خودشان را پنهان کرده بودند.

نفر دوم معلومت اس. است وی در سال ۱۹۹۱ به آنها جاسوسی برسی عراق محکوم به حبس ابد و اخیراً محکوم به مرگ شده است. بک مقام ب. کا. آ. می‌گوید که تمام این‌ها به اقدامات ما علیه وزارت اطلاعات و امنیت بود ایران ربط دارد. من واقعا برای این مرد متأسفم. مطمئن که آخرت‌ها وی را حتما داد می‌زند.

فرزگاه‌های آلمانی را متضرر کنند. این خبر محرمانه ب. کا. آ. هشدار می‌دهد که پاران و کلمک دهنگان به سازمان اطلاعات و امنیت ایران، پناهنده‌های قبول نشده در آلمان هستند. ژولف توکسون، رئیس استیشوی مطالعات مسایل تروریستی نژادگویی تروریستی وزارت اطلاعات و امنیت ایران آگاهی دارد. وی این احتمال را می‌دهد که چنانچه جمهوری اسلامی خود را در تنگنا ببیند، اقدام به عملیات خرابکارانه علیه متاع آلمان در خارج کند. وی بر این باور است که در مقابل تروریست‌ها نباید کوتاه آمد و پراشان نباید تحقیقی قایل شد. باید با تمام امکانات آن‌ها را متعقب کرد.

برای مأموران اطلاعات آلمان، نحوه کار وزارت اطلاعات و امنیت ایران روشن است و می‌دانند که چقدر زیرکانه کار می‌کنند، ولی رسماً اجازه گفتن آن را ندارند.

صیلمت سفارت جمهوری اسلامی در برلین، تفرشی ملحق در اواسط ژوئیه ۱۹۹۲ محرمانه به ایران برگردانده بود. در این رابطه مقامات آلمانی به سیدسین موسویان، سفیر ایران در

فرزگاه‌های آلمانی را متضرر کنند. این خبر محرمانه ب. کا. آ. هشدار می‌دهد که پاران و کلمک دهنگان به سازمان اطلاعات و امنیت ایران، پناهنده‌های قبول نشده در آلمان هستند. ژولف توکسون، رئیس استیشوی مطالعات مسایل تروریستی نژادگویی تروریستی وزارت اطلاعات و امنیت ایران آگاهی دارد. وی این احتمال را می‌دهد که چنانچه جمهوری اسلامی خود را در تنگنا ببیند، اقدام به عملیات خرابکارانه علیه متاع آلمان در خارج کند. وی بر این باور است که در مقابل تروریست‌ها نباید کوتاه آمد و پراشان نباید تحقیقی قایل شد. باید با تمام امکانات آن‌ها را متعقب کرد.

برای مأموران اطلاعات آلمان، نحوه کار وزارت اطلاعات و امنیت ایران روشن است و می‌دانند که چقدر زیرکانه کار می‌کنند، ولی رسماً اجازه گفتن آن را ندارند.

صیلمت سفارت جمهوری اسلامی در برلین، تفرشی ملحق در اواسط ژوئیه ۱۹۹۲ محرمانه به ایران برگردانده بود. در این رابطه مقامات آلمانی به سیدسین موسویان، سفیر ایران در

فرزگاه‌های آلمانی را متضرر کنند. این خبر محرمانه ب. کا. آ. هشدار می‌دهد که پاران و کلمک دهنگان به سازمان اطلاعات و امنیت ایران، پناهنده‌های قبول نشده در آلمان هستند. ژولف توکسون، رئیس استیشوی مطالعات مسایل تروریستی نژادگویی تروریستی وزارت اطلاعات و امنیت ایران آگاهی دارد. وی این احتمال را می‌دهد که چنانچه جمهوری اسلامی خود را در تنگنا ببیند، اقدام به عملیات خرابکارانه علیه متاع آلمان در خارج کند. وی بر این باور است که در مقابل تروریست‌ها نباید کوتاه آمد و پراشان نباید تحقیقی قایل شد. باید با تمام امکانات آن‌ها را متعقب کرد.

برای مأموران اطلاعات آلمان، نحوه کار وزارت اطلاعات و امنیت ایران روشن است و می‌دانند که چقدر زیرکانه کار می‌کنند، ولی رسماً اجازه گفتن آن را ندارند.

صیلمت سفارت جمهوری اسلامی در برلین، تفرشی ملحق در اواسط ژوئیه ۱۹۹۲ محرمانه به ایران برگردانده بود. در این رابطه مقامات آلمانی به سیدسین موسویان، سفیر ایران در

فرزگاه‌های آلمانی را متضرر کنند. این خبر محرمانه ب. کا. آ. هشدار می‌دهد که پاران و کلمک دهنگان به سازمان اطلاعات و امنیت ایران، پناهنده‌های قبول نشده در آلمان هستند. ژولف توکسون، رئیس استیشوی مطالعات مسایل تروریستی نژادگویی تروریستی وزارت اطلاعات و امنیت ایران آگاهی دارد. وی این احتمال را می‌دهد که چنانچه جمهوری اسلامی خود را در تنگنا ببیند، اقدام به عملیات خرابکارانه علیه متاع آلمان در خارج کند. وی بر این باور است که در مقابل تروریست‌ها نباید کوتاه آمد و پراشان نباید تحقیقی قایل شد. باید با تمام امکانات آن‌ها را متعقب کرد.

برای مأموران اطلاعات آلمان، نحوه کار وزارت اطلاعات و امنیت ایران روشن است و می‌دانند که چقدر زیرکانه کار می‌کنند، ولی رسماً اجازه گفتن آن را ندارند.

صیلمت سفارت جمهوری اسلامی در برلین، تفرشی ملحق در اواسط ژوئیه ۱۹۹۲ محرمانه به ایران برگردانده بود. در این رابطه مقامات آلمانی به سیدسین موسویان، سفیر ایران در

فرزگاه‌های آلمانی را متضرر کنند. این خبر محرمانه ب. کا. آ. هشدار می‌دهد که پاران و کلمک دهنگان به سازمان اطلاعات و امنیت ایران، پناهنده‌های قبول نشده در آلمان هستند. ژولف توکسون، رئیس استیشوی مطالعات مسایل تروریستی نژادگویی تروریستی وزارت اطلاعات و امنیت ایران آگاهی دارد. وی این احتمال را می‌دهد که چنانچه جمهوری اسلامی خود را در تنگنا ببیند، اقدام به عملیات خرابکارانه علیه متاع آلمان در خارج کند. وی بر این باور است که در مقابل تروریست‌ها نباید کوتاه آمد و پراشان نباید تحقیقی قایل شد. باید با تمام امکانات آن‌ها را متعقب کرد.

برای مأموران اطلاعات آلمان، نحوه کار وزارت اطلاعات و امنیت ایران روشن است و می‌دانند که چقدر زیرکانه کار می‌کنند، ولی رسماً اجازه گفتن آن را ندارند.

صیلمت سفارت جمهوری اسلامی در برلین، تفرشی ملحق در اواسط ژوئیه ۱۹۹۲ محرمانه به ایران برگردانده بود. در این رابطه مقامات آلمانی به سیدسین موسویان، سفیر ایران در

چاپ لندن
کیهان

مجله آلمانی فو کوس:

ترو ریسیم رژیم و همبستگی اپوزیسیون

بکسال از اقدام جناحینکارانه رژیم جمهوری اسلامی در ترو ریز کفر صادق شرفکندی در سیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، فتاح عبدلی نماینده این حزب در ارومیه، همایون اردلان مسئول حزب در آلمان و نوری دهکردی مبارز چپ و مترجم هیئت نمایندگی حزب دموکرات کردستان ایران در اجلاس بین المللی سوسیالیست ها در برلین، گذشت.

بکسال پیش گروهی از ایرانیان در نسبت دادن این ترو ریز چنکارانه به جمهوری اسلامی تردید و ناواری داشتند. سخنگویان رسمی دولت فدرال آلمان نیز هر گونه رابطه این ترو ریز با رژیم اسلامی را انکار می کردند. جمهوری اسلامی بی آنکه خوشحالی خود را از این جنایت پنهان کند، بر تابا و توسط انکارها هاد من میزد. رژیم ترو ریز نماینده اش در بین، مدعی عدم دخالت رژیم ایران در این جنایت شد و حتی برای کمک به دستگیری قاضین اعلام آمادگی کرد، اما اکنون حتی مقامات دولت آلمان نیز معتقدند که جمهوری اسلامی عامل این ترو ریز بوده است. در این بکسال اپوزیسیون دموکرات رژیم برای به کرسی نشاندن این حقیقت بسیار کوشید.

از فرودای جنایت، اپوزیسیون حرکت وسیعی را آغاز کرد. خانواده قربانیان ترو ریز، گروهی از حزب و شخصیت های سیاسی ترو ریز محرک این حرکت شدند. هیچ شماره ای از روزنامه های ایرانی و خارجی را در چند ماه اول پس از ترو ریز نمی توان یافت که مقاله، گزارش، مصاحبه و یا سندی در این باره درج نکرده باشد. چندین برنامه و مساجحه در یو، تلویزیونی از شبکه های اصلی بیشتر کشورهای اروپا پی دی واره ترو ریز برلین بحث شد. طیف های مختلف اپوزیسیون این جنایت را محکوم کردند و جمهوری اسلامی را مسبب آن دانستند.

یک ماه پس از ترو ریز، تن از متهمین به شرکت در ترو ریز، اهل لبنان، دستگیر شدند. جای پای "حزب الله" در جنایت آشکار شد. چند روز پس از آن، لبنانی دیگری و ایرانی بنام کاظم دارابی دستگیر شدند. از طرف مقامات آلمان اعلام شد که دارابی پوی، خانه، اسلحه و نقشه ترو ریز را اختیار تیم ایرانی لبنانی ترو ریز گذاشته است. دارابی چه کسی بود؟ اوستورلی انجمن اسلامی دانشجویان در آلمان بود. علاوه بر این وی مسئولیت "غرفه ایران در نمازگاه مواد غذایی هفت مسرد برلین را برعهده داشته است. وابستگی او به حکومت ایران

رلیق مهدی ابراهیم زاده از جمله شاهدان ترو ریز نا جوانان دهانه ساله گذشته و برلین بوده است. وی در مقاله ای که به مناسبت یکمین سالگرد این ترو ریز نگاشته شده، فعالیت های بکساله گذشته نیروهای اپوزیسیون در جهت افشای هامن جنایت برلین را تشریح کرده و لزوم همکاری بیشتر علیه سیاست های ترو ریزی جمهوری اسلامی را مورد تاکید قرار داده است.

این تجربه نشان داد اپوزیسیون ترو ریزخواه ایران که به مسواخ خود را طرفدار وحدت، اتحاد، اتحاد عمل، اشتقاق و همه اشکال همکاری معرفی نموده می باید پیش از پیش و فساد آری خود را به سیاست های فوق در عمل نشان دهد. اپوزیسیون ترو ریزخواه ایران به فعالیت مشترک نیازمند است.

مقابله با ترو ریز می تواند عرصه بی از فعالیت مشترکی باشد که نه فقط مبارزه ای سیاسی و عقیدتی که بی از همه مبارزه ای انسانی است. مبارزه با ترو ریز و صلح گیری از تکرار جنایاتی نظیر جنایت برلین فسا و برای یک مبارزه سیاسی مسالمت آمیز فراهم میکند.

هر گونه همکاری و فعالیت در این عرصه زبانش متوجه رژیم طرفدار ترو ریز و خشونت و سوسدن برای اتحاد جامعه و از جمله برای اپوزیسیون است. شرط گذاری و بهانه تراشی از طرف هر ترو ریز سیاسی برای امتناع از یک فعالیت مشترک و همکاری علیه ترو ریز، پذیرفتنی نیست و نهایتا به نفع ادامه سیاست ترو ریز است. آنچه که تا بحال علیه ترو ریز صورت گرفته نتیجه همکاری و تلاش عمومی اپوزیسیون بوده است. اما این هنوز کافی نیست و ما

پیش از اینها می توانستیم در مقابله با ترو ریزها اقدامات مشترک در قالب تبلیغ با ارزش فعالیت های مشترک در مقابله با ترو ریز با فن زبان مشترک در میان بسیاری از نیروهای است که با خط منشی های مختلف مردم جمع شده و به اتخاذ تدبیر و تصمیم برداختند. جامعه اسپند آوده ما و نیروهای سیاسی آن به این زبان مشترک برای گفتگو با یکدیگر احتیاج دارند. آن آسواب و نیروهای سیاسی که قدم پیش گذاشتند و بدون شرط و بدون اما را گرد قاتنه در اقدامات مشترکی که به مقابله با ترو ریز، مشخصا ترو ریز جمهوری اسلامی بر می گشت محس گماشتند، امروز در جنبش ترو ریزخواه مردم ایران و در میان اپوزیسیون شایسته احترام لازم هستند، همانگونه که مبارزان بگیرا راه آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران و قربانیان ترو ریز این جای شایسته خود را در جنبش ترو ریزخواه ایران دارند. خاطره شان گرامی باد.

مهدی ابراهیم زاده
۹۳/۹/۱۰ - برلین

جای هیچ تردیدی نداشت اما، مقامات ایران که به تدریج با مروج فزاینده اعتراضات نیروهای مترقی جهان نسبت به ارتکاب این ترو ریز همبستگی ایرانیان در افشای آن رو بر رو شدند. همچنان در خالت رژیم ایران در جنایت را انکار کردند و نقش دارایی در آن را یک تصمیم شخصی و یک عمل فردی عنوان می نمودند!

با گزارشاتی که از آغاز سال ۹۳ میلادی در مجلات اشترن و فوگوس و سپس اشپیکل به چاپ رسید و اسنادی که فراری دادن دیپلمات های ایرانی از هامبورگ وین و دست داشتن رژیم ایران در ارتکاب ترو ریز برلین را فاش می کردند و هم چنین چند برنامه تلویزیونی که از شبکه اول تلویزیون آلمان پخش شد، و فعالیت آندراشکار شد که حتی یک روزنامه کثیرالانتشار آلمان - بیلده - استیضاح و زبردانته (پالت برلین) را بخاطر عدم جلوگیری از وقوع ترو ریز برلین، علیرغم اطلاع قبلی وی از این حادثه، مطرح کرد. اینها همه دیگر هیچ جای تردیدی باقی نمی گذاشت که جمهوری اسلامی مسبب، طراح و عامل جنایت برلین بوده است.

سرانجام با اعلام کثیر خواست دادستانی کل آلمان که در آن دارابی و سایر وزرات اطلاعات معرفی کرده و برد خالت آشکار جمهوری اسلامی در ترو ریز برلین تاکید دارد، تلاش های اپوزیسیون نتیجه داد. و بکسال پس از حادثه، همه ترو ریزها و ناباوری ها از یکسو و انکار و سوسکت مقامات آلمانی از سوی دیگر به اذعان و ایقان به شرکت عوامل جمهوری اسلامی در این جنایت و مسئولیت رژیم در قبال آن تبدیل گشت.

تلاش اپوزیسیون، چه در قالب گروه های سیاسی و چه در قالب کمیته های ضد ترو ریز، در محکومیت رژیم اسلامی نقش موثری داشت. اپوزیسیون توانست در افشای این جنایت تجارب گرانبهایی بی یابد و از برای نخستین بار بخشهای زیادی از اپوزیسیون مستقل از نحل فکری و خط منشی های سیاسی شان در کمیته های تحت عنوان کمیته ایرانی علیه ترو ریز تیمید، در نقاط مختلف دنیا گرد آمدند و به تناسب امکانات خود، مشترکا، به امری که به حیات و تحقق آرمان همه آنها سنگی دارد یعنی مبارزه با ترو ریز و رژیم دولتی برداختند.

شماره ۶۷ - چهارشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۷۲

در چهار چوب تحقیقات برای کشف قاتلان دکتر سیروس الهی

پلیس فرانسه دو ایرانی را به اتهام ترور یسم در پاریس دستگیر کرد

● این دو، اعضای اپوزیسیون و یکی از اعضای خانواده شاه فقید را شناسایی می کردند
● سازمان حقوق بشر و آزادی های اساسی: ماموران رژیم قصد رخنه در این سازمان داشتند

قاجاقچیان مواد مخدر هم ارتباط دارد اما به طوری که ناظران معاند شده‌اند مشهودی قبل از هر چیز منته است که مأمور سازمان های اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی در پاریس و مأمور کشتن مخالفان رژیم ملاحانست قاضی پروگیر در جریان اسیر فرار گرفت و با روشی که در مورد قاتلان دکتر شاپور بختیار به کار برد و نتیجه بخش بود به مدت دو ماه مشهودی را بر مظهر سازمان امنیت داخلی فرانسه و پلیس جنایی قرارداد این بار نیز این روش بسیار مفید افتاد و معلوم شد که جنین بقیه در صفحه ۵

اعضای خانواده شاه فقید ایران را شناسایی می کردند. نام این عضو خانواده سلطنتی ذکر نشده است. مجله لوپوتن چاپ پاریس نحوه دستگیری این دو را چنین شرح می دهد: پلک کاراگاه اداره مبارزه با مواد مخدر فرانسه که ایرانی تبار است و گاه به عنوان مترجم در امور قضایی از او استفاده می شود، در مقام شخصی حرفه‌ای پی برد که مورد تعقیب قرار دارد. تعقیب کنند مورد شناسایی قرار گرفت و معلوم شد که پلک ایرانی است به نام مجتبی مشهودی دارای همسر فرانسوی شغل او صادرات و واردات است و از ترس، با

در بیستم دسامبر گذشته دو جوان ایرانی به اسمی مجتبی مشهودی و محسن یزدان مشایبه حکم قاضی ژان لویی پروگیر، در چهارچوب تحقیقات او پیرامون قتل دکتر سیروس الهی در پاریس دستگیر شدند. محسن یزدان ستا ۳۳ ساله به تابعیت فرانسه درآمده است. اتهام مجتبی مشهودی مشارکت در قتل در ارتباط با سازمانی تروریستی و اتهام یزدان ستا همکاری با تبهکاران در ارتباط با سازمانی تروریستی ذکر شد. به نوشته روزنامه لوموند چاپ فرانسه، این دو، اعضای اپوزیسیون ایرانی مقیم پاریس و همچنین یکی از

پلیس فرانسه . . .

بقیه از صفحه ۱

مشهودی و همسرش او حسین یزدان ستا، اپوزیسیون ایرانی مقیم پاریس و همچنین یکی از اعضای خانواده شاه فقید ایران را شناسایی می کنند. به نظر می رسد که قرار بود آن ها در آینده نزدیک در مورد یکی از هدف های خود وارد عمل شوند. این شخص مسلما جان خود را مدیون اقدام پیشگیرانه پلیس است تحقیقات سیستماتیک در مورد مجتبی مشهودی نشان داد که آنها در این زمینه می سابقه نیستند. یکی از رابط های کار آگاه مبارزه با مواد مخدر، که در ارتباط با مواد مخدر زندانی است، در سأل خود توسط پلیس مورد بازجویی قرار گرفت و فاش کرد که مشهودی به او نزدیک شده بوده و او را به نهران برده‌اند و در مقابل وعده پول فراوان از او خواسته‌اند. دکتر سیروس الهی یکی از بیست‌ان گذاران سازمان درفش کابوتی را که قبلا استاد دانشگاه ملی بود، در پاریس به قتل رساند. جوان، از این کار که جزئیاتش نیز برای او شرح شده بود سر بار می زند. اما اندکی بعد در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ سیروس الهی در سرسرای آپارتمان مسکونی در پاریس به قتل می رسد. مجله لوپوتن می افزاید: شهادت این جوان و تطبیق آن با اطلاعات دیگر باعث شد که قاضی پروگیر، مشهودی و بردان ستا را روز سه شنبه ۲۰ دسامبر بازداشت کند.

iran-archive.com

لوپوتن می نویسد: این اقدام، در زمانی که قاضی پروگیر وارد پرونده تحقیقات خود را پیرامون قتل بختیار تکمیل می کند و چهار منجم آن را که در فرانسه زندانی هستند به دادسرا فرستاده‌است، موج دیگری در روابط فرانسه و جمهوری اسلامی می اندازد. سازمان حقوق بشر و آزادی های اساسی برای ایران در اطلاعیه‌ای مطبوعاتی یاد آور شد که رژیم اسلامی پس از قتل دکتر سیروس الهی به تلاش برای رخنه، در آن سازمان ادامه داد و همچنین درایران به فشار بر اعضای خانواده همکاران این سازمان پرداخت. در این اطلاعیه آمده است که سواي دکتر سیروس الهی، سرهنگ عطاالله پای اسلمدی در شبح نشین دوی، و سرگرد عباس قلی زاده در ترکیه به وسیله مأموران رژیم کشته شدند. بنا به اطلاعیه این سازمان، پلیس آلمان همچنان در جستجوی قاتلان فریدون فرخزاد است که دو سال پیش در آلمان کشته شد.

مراسم یادبود شهدای برلین در پاریس

آلمان دایر بر دست داشتن ساربان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی در قتل رهبران حزبمان، در رابطه با پرونده، برلین اظهار داشت: "ما توجه نه پرونده، تحفظاتی بیسلس آلمان و نیز ما توجه به اطلاعات سرویسهای امنیتی غرب و برونده، شخص کاظم دارابی کاملاً مجسبل است که رهبری عملیات تروریستی در برلین مستقیماً در دست اسرار بوده و بدین منظور از نمایندگانهای سیاسی و اقتصادی خود به عنوان پوششی برای شبکه، وسیع اعضای وزارت اطلاعات و امنیت در خارج از کشور جهت اجرای عملیات تروریستی و جاسوسی استفاده می کرده است."

آنگاه کاک شاهر عضو کمیته مرکزی و نماینده حزب در خارج از کشور پیام دفتر سیاسی حزب در دمکرات کردستان ایران به مناسبت سالروز شهادت دبیرکل حزب را قرائت نمود.

پس از آن نوبت به یکی از مسئولان بنیاد فرانس لیبرته رسید که به نمایندگی از سوی خانسم دانیل میتران در این مراسم شرکت کرده بود. وی در بخشی از سخنانش اظهار داشت: "دکتر سعید اهل مباحثات بر طمطراق و جنجالسی نبود." و ادامه داد: "تو دکترمعد کم حرف میزدی، ولی وقتی لب به سخن می گشودی همه اش مفید بود و با معنا. ما آموخته های بسیاری را در مورد تاریخ خلق کرد، درک این خلق و نیز صداقت و دوستی مدیون تو هستیم. ما توجه به آشنایی ای که از نزدیک به اعتقادات و اندیشه های ما داشتیم، ما اعتقاد راسخ می گویم که تو جوهر بزرگمردان واقعی بودی؛ جزو آنهایی که دوستشان داریم."

سپس یک فیلم ۱۵ دقیقه ای که با استفاده از آرشیو حرب تهیه شده بود به نمایش گذاشته شد. این

بشر، بنیاد فرانس لیبرته، انستیتوی کرد در پاریس، انترناسیونال سوسیالیست، سازمان پزشکان جهان، حزب سوسیالیست کردستان ترکیه، حزب سوسیالیست فرانسه، اتحادیه، میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران ترتیب یافته بود.

مراسم یادبود نخستین سالروز شهادت دبیرکل حزبمان دکتر صادق شرفکندی و یارانش ساعت ۶/۳۵ دقیقه بعد از ظهر با سرود ملی ای رقیب آغاز شد. سپس رفیق کمال داودی عضو کمیته، حزب در فرانسه به نمایندگی از سوی کمیته، برگزاری مراسم سخنانی ایراد کرد. وی ضمن خیرمقدم گویی به میهمانان و تشکر از حضار به خاطر شرکتشان در مراسم اظهار داشت: "ما در اینجا گرد آمده ایم تا خاطره کسانی را گرامی بداریم که سال پیش به دست تروریستهای جمهوری اسلامی در برلین به شهادت رسیدند. کسانی که زندگی را دوست داشتند و علیرغم موانع و مشکلات فراوان با عزمی راسخ مبارزه مردم کردستان را رهبری می کردند. خاطره ایسن شهدای گرانقدر را گرامی می داریم و امیدواریم روزی فرا رسد که در آن شاهد تحقق صلح و آزادی برای خلق کرد نیز باشیم."

به دنبال آن آقای فردریک تیسو یکی از پزشکان فرانسوی و از دوستان نزدیک خلق کرد در کردستان ایران که بارها به کردستان سفر کرده و از نزدیک با مبارزه خلق کرد و رهبران برجسته آن دکتسر فاسلو و دکتر شرفکندی آشنایی پیدا کرده بود، ضمن قرائت بخشی از اطلاعیه، مطبوعاتی دانشکده کلن

روز شانزدهم سپتامبر ۱۹۹۲ (۲۵ شهریور ماه ۱۳۷۲) بمناسبت نخستین سالروز واقعه برلین و به منظور گرامی داشت خاطره شهدای این واقعه، مبارز نستوه دکتر صادق شرفکندی و یارانش، مراسم ویژه ای در سالن "لوبی لیاتی" دانشگاه سوربن پاریس برگزار گردید. مراسم مزبور از سوی کمیته ویژه ای متشکل از سازمان کمکهای درمانی بین المللی، کانسون نویسندگان ایران در تبعید، سازمان امور انسانی وابسته به دفتر آقای برنارد کوشنر، کمیته ایرانی، مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی، فدراسیون بین المللی حقوق

تقسیم می‌کنند باید گفت که بنیاد - گرا بنیادگراست ، دیگر صیغه‌ای به نام افراطی و میانرو نمی‌خواهد ... در ایران نیز تقسیم دستگاه آخوندی به دو گروه افراطی و میانرو چیزی جز به انحراف کشیدن افکار عمومی و جعل واقعیات نیست . مسئولیت قتل رهبران کرد و دیگر مخالفان رژیم در خارج و اخیراً در ترکیه متوجه دستگاه حاکمه، ایران است و پس ، در این زمینه ما نباید کوچک‌ترین تردیدی بدل راه دهیم و تسلیم تبلیغات و جعلیات آنهایی کردیم که می‌خواهند دستگاه حاکمه، ایران را دارای دو گرایش افراطی و میانرو معرفی کنند." آقای آلن شنال در بخش پایانی سخنانش گفت: "پایداری و شجاعت و مردانگی کردها در ادامه مبارزه‌ای که از اوایل این قسرون شروع شده قابل ستایش است . این مبارزه را در هنگام تشکیل جمهوری مهاباد دیدیم و امروز نیز شاهد ادامه آن می‌باشیم و من اطمینان دارم که قبل از پایان این قرن ما شاهد پیشرفت مبارزه کردها و تحقق بسیاری از خواسته‌هایشان خواهیم بود."

دکتر برنارد گرانژون دیگر سخنران این مراسم بود. وی سخنان خود را چنین آغاز کرد: "برادران حزب دمکرات کوردستان ایران! مبارزه‌شان مبارزه‌ای است مقدس ، نداوم بخشیدن به این راه نهنها وظیفه، ناست ، بلکه مایه افتخار است ."

پس از دگلمه، قطعه شعری از شاعر بلند آوازه، کرد استاد هزار ، خانم شیول از حزب سوسیالیست فرانسه پشت تریبون قرار گرفت . وی حامل پیامی از طرف رهبری حزب سوسیالیست فرانسه بود. در بخشی از این پیام آمده بود: "ما که سالیسان مدیدی است از روابط نزدیک با برادران حزب دمکرات کوردستان ایران برخورداریم ، در مقابله با خاطره، رهبران گرانقدر این حزب ،

رفقا دکتر صادق شرفکندی و یارانش و نیز رهبر بزرگ خلق کرد دکتسر عبدالرحمن قاسملو سر تعظیم فرود می‌آوریم و یادشان را گرامی می‌داریم . فقدان استراتژیک این رفقا نه تنها ذره‌ای از مسئولیت‌هایمان مبنی بر حمایت از خواسته‌های مشروع و عادلانه آنها یعنی خودمختاری و دمکراسی نمی‌کاهد، بلکه عزم ما را جزم‌تر می‌کند." در ادامه، پیام مزبور ضمن اشاره به این واقعیت که تا هنگامیکه خلق کرد به خواسته‌های خود دست نیابد از صلح و ثبات بر منطقه خبری نخواهد بود اینک انتظار تحقق دمکراسی در سایه رژیم‌های حاکم در منطقه امر عیثی بیش نخواهد بود و لذا خواسته‌های خلق کرد باید در اولویت قرار گیرد، آمده بود: " ما هم مانند گذشته از خواسته‌های مشروع خلق کرد حمایت خواهیم کرد. رفقای شهیدمان به‌اصل دمکراسی بعنوان یک ارزش والای انسانی و رعایت آن اعتقاد عمیقی داشتند و برای استقرار و تحقق آن تا پای جان پیش رفته و از جان خود مایه گذاشتند."

بدینال آن آقای آلن شنال از مسئولین دبیرخانه، روابط بین‌المللی حزب سوسیالیست فرانسه در تحلیل از شخصیت برجسته، دوستان بسیار نزدیک خود ، رهبران زنده - پادمان دکتر قاسملو و دکتسر شرفکندی اظهار داشت : " آنها در حین جدیت در تحلیل مسائل پیچیده و داشتن اراده، بولادین در امر پایداری در مقابل سیه‌ترین دیکتاتورپها، مالامال از سر زندگی بودند، آنها می‌توانستند در حین جدیت بسیاری از مسائل را همراه با تبسم بیان کنند و ناملایمات و ضربات را متحمل شوند. تمام این ویژگیها را در حزب دمکرات کوردستان ایران می‌توان بروشنی مشاهده کرد. " وی در بخش دیگری از سخنانش اظهار داشت: "بیرخلاف آنهایی که بنیادگرایان را به‌دوستانه

فیلم حاوی محنه‌هایی بود که طی آن رهبران زنده‌یاد حزیمان دکتسر قاسملو و دکتر شرفکندی پیرامون مسائلی چون تروریزم و کشمکش اعراب و اسرائیل و مبارزه مردم کوردستان سخن می‌گفتند.

پس از نمایش فلم ، دکتسر برنارد کوشر دویت دربینه خلق کرد رشته سخن را به دست گرفت. آقای کوشر ضمن گرامیداشت شائره، دکتر شرفکندی و یارانش و تأکید بر مسئولیت‌های مبارزه خلق کرد و لزوم پشتیبانی از آن و نیز با اشاره به توافقات اخیر فلسطینیان و دولت اسرائیل و روند دمکراتیزاسیون و صلح در منطقه، خاورمیانه و سایر نقاط جهان اظهار داشت : " هر روز گسه می‌گذرد گامی در جهت نزدیکتر شدن خلق کرد به تحقق خواسته‌های عادلانه‌اش به‌بیش گذارده می‌شود. این امر در عین حال رؤسپه‌های دیکتاتور ، مانند ایران را هر چه بیشتر در جهان منزوی می‌کند. "

وی در بخش پایانی سخنان خود گفت : " راهی را که این مبارزان در پیش گرفته و به خاطر آن جان باختند راهی است درست و مبارزه‌شان مبارزه‌ای است مقدس ، نداوم بخشیدن به این راه نهنها وظیفه، ناست ، بلکه مایه افتخار است ."

کردستان

مهرماه ۱۳۷۲

اکتبر ۱۹۹۳

بتوانیم همیشه در حال تحرک و تهنیز باشیم و در این زمینه رفقای حزب دمکرات کردستان ایران! شما می‌توانید روی شخص من و از طریق من بعنوان رئیس انترناسیونال سوسیالیست تمام احزاب و سازمانهای عضو بین الملل سوسیالیست حساب کنید. رفقا! ما با تمام قوا از آرمان و خواستهای عادلانه، خلق کرد و مبارزه‌اش در راه دمکراسی، حقوق‌بشر و آزادی پشتیبانی خواهیم کرد.



سخنرانان دیگر این مراسم عبارت بودند از دکتر کریستوف برون رئیس سازمان امداد درمانی بین‌المللی، آقای کنдал نوزان رئیس انستیتیوی کرد در پاریس، خانم جوئیز بلو استاد زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن کرد در دانشگاههای پاریس که هر یک ضمن تجلیل از شخصیت درخشان شهدا و تقدیر از مبارزات آنها در راه تحقق خواستهای عادلانه، خلق کرد، بر لزوم پشتیبانی از این خواستها تأکید ورزیدند و آن را وظیفه هر انسان دمکرات و آزادیخواهی دانستند.

آخرین سخنران این مراسم آقای ناصر پاکدامن استاد دانشگاه نویسنده، بنام ایرانی بود که از طرف کمیته، ایرانی مبارزه علیه تروریسم جمهوری اسلامی که بسه دنبال شهادت رفقای گرانقدرمان در برلین تشکیل شده است بسه ایراد سخنرانی پرداخت و ضمن گرامیداشت خاطره، شهدا و تقدیر از شخصیت برجسته آنها و مبارزاتشان در راه آرمانی والا، بسه سکوت کشورهای غربی بویژه کشورهای اروپایی در مقابل تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و این عملرانیوی شریک جرم بودن در اقدامات جنایتکارانه رژیم آخوندی دانست. در فاصله سخنرانها چند

انسانهای دمکرات به دست چناینگاران جمهوری اسلامی و اخیراً بمباران کردستان عراق از خود عکس‌العملی نشان نمی‌دهند و بسا این عمل خود آخوندها را در ادامه اعمال ضد انسانی خود جری‌تسر می‌سازند، مورد نگوشتی قرار داد.

به دنبال آن نماینده آقای پی‌یر موروا، نخست وزیر اسبق فرانسه و رئیس فعلی انترناسیونال سوسیالیست پشت تربیون قرار گرفت و پیام آقای پی‌یر موروا را قرائت نمود. در بخشهایی از این پیام آمده بود: "قبل از هر چیز ما یلیم از سوی خود و انترناسیونال سوسیالیست بگویم که خاطرسره حادثه، ناگواری که سال گذشته در برلین روی داد و انترناسیونال سوسیالیست را در سوگ فرو برد همواره موجب تأثر و تألم ماست. همه ما می‌دانیم که جنیبن اقداماتی نتیجه‌ای جز شکست برای عاملان و مسببان آن نخواهد داشت، زیرا که همواره شاهد آن هستیم که هیچ مانعی قادر نیست خلقها را از مبارزه در راستای دستیابی به یک زندگی شرافتمندانه و تحقق خواستها و حقوق ابتداییشان بازدارد. اکنون در جهان هر روز شاهد پیروزی دمکراسی و حقوق بشر در کشورها هستیم. باد آزادی که در وهله اول از اروپای جنوبی، یونان، پرتغال و اسپانیا شروع به ورزیدن کرد، به تدریج آمریکای لاتین و سپس قسمتی از قاره آفریقا و آسیا را در بر گرفت و اکنون تحولات خاورمیانه از قبیل شناخت متقابل سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسرائیل، پروتکل توافق بین اردن و اسرائیل و تحولات دیگری که جامعه عمل می‌پوشند ما را امیدوارتر می‌کنند و تأکیدی است بر اینکه متسعد هیچ چیزی قادر نخواهد بود مانع پیشرفت آزادی و دمکراسی گردد. البته به شرط آنکه ما هم

روجمه ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۳ مراسم باشکوهی با شرکت رفقای حزبی و نمایندگان احزاب و سازمانهای ایرانی، کردستانی و اروپایی در کورستان برلاش بر مزار شهسادی زنده‌باد برلین، دکتر صادق شرفکندی و بارانش برگزار گردید. ابتدا کساک شاهو نماینده حزب در خارج ار کشور از احزاب و سازمانها و شخصیت‌هایی که در مراسم شرکت کرده و با از طریق ارسال پیام اعلام همدردی نموده بودند، سپاسگزاری نمود. وی همچنین ار پلیس و دولت فرانسه، به خاطر کمک بیدریغ در زمینه، فراهم‌ساختن امنیت کافی جهت اجرای اسس مراسم تشکر نمود و یادآوری کرد که حضور پلیس در آرامگاه، خود نشاندهنده، خطر تروریسم رژیم آخوندی است. سپس کاک شاهو پیام دفتر سیاسی حزب را به زبان فارسی قرائت نمود. آنگاه جمعیت به طرف آرامگاه رهبر رنده‌سادهان دکتر قاسلو و رفیق گرانقدر کساک عبدالله قادری راه افتاده و بر مزار آنان گرد آمدند و نسبت به خاطرسره این شهدا ادای احترام نمودند.

مراسم بزرگداشت شهدای رستوران "میکونوس" در برلین

روز جمعه ۲۶ شهریور برابر با ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۳ بمناسبت سالگرد واقعه میکونوس که طی آن نیرویستهای رژیم جمهوری اسلامی چهار تن از فعالین برجسته اپوزیسیون؛ دکتر صادق شرفکندي، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران، نوری دهکردی مبارز برجسته چپ، فتح عبدلی همایون اردلان از کادوهای حزب دموکرات کردستان را به قتل رساندند. مراسم در شهر برلین برگزار گردید.

خانه فرهنگها برگزار گردید که جمع کثیری از ایرانیان در آن شرکت نمودند. این گردهمایی با نوازی بی شمیری از شغیهای کد کتی و یک دقیقه سکوت بیاد این چهار شهید و همچنین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، آغاز گردید. سپس رفیق مهدی ابراهیم زاده یکی از شهدای واقعه، به شرح حادثه پرداخت و همچنین آخرین تلاش های دکتر شرفکندي را پیرای هماهنگی اپوزیسیون مورد یاد آوری قرار داد. آنگاه آقای پرویز

همسر زمان و از بنا کترین فرزندان میمنان را از دست دادیم ضربه ای که از این طریق حشش آزاد بخوانه کردستان و سراسر ایران دید، شاید بسادگی جبران پذیر نباشد، اما بی شک همه اهداف پلیدی که رژیم جمهوری اسلامی با دست بازیدن به این جنایت دنبال میکرد نه تنها برایش بر آورده نشد، بلکه یکسالی که از این واقعه میگذرد را باید سالی درخشان و موفقیت آمیز در فعالنیهای اپوزیسیون ایران در مبارزه علیه رژیم و افشاگری جنایات و پلیده بهایش اوزیایی کرد. رژیم در سراسر عمر خود هیچگاه مانند امروز جیره نهبکاشی بی نفاذ در معرض دید جهانیان قرار نگرفت و هیچگاه چون امروز تحت فشار و انزجار بشریت ترقیخواه نبوده است. این ضربه حنا برای اپوزیسیون دموکرات ایران هم علیرغم دردناکیش، جنبه دیگری هم داشت که آن نیز بدور ریختن همه خوشبینیها و خوشساریهای احتمالی بود که نسبت به رژیم گمان می رفت و جای آن را واقع بینی ای گرفت که خود انگیزه و محرک جنبشی بر توان گردید علیه رژیم حوطل و جنایت پایداری و مستمرا پایداری جنبش و گرامی پایداری همه آثانی که در این راه جان باختند.



رستوران میکونوس - قربانیان تروریسم رژیم اسلامی دوران میزبسته بودند

ساعت ۱۳ دهه یان از ایرانیان معقیم این شهید عوت خانواده رفیق نوری دهکردی بر سر میزوارا گرد آمدند. ابتدا خانم شهره بدیمی همسر نوری سخنانی با در فیق نوری ابراد کرد، آنگاه چند تن از همکاران و دوستان نوری سخن گفتند و سپس پیام حزب دموکرات کردستان ایران، حزب سوسیال دموکرات آلمان و حزب سوسیالیسم دموکراتیک PDS قرائت گردید.

در این مراسم دهها دسته گل از طرف افراد و احزاب سیاسی از جمله سازمان ما بر سزار رفیق نوری دهکردی قرار داده شد. ساعت ۱۹ عصر همانروز بد عوت کمیته اپوزیسیون ایرانی علیه تروریسم کانون پناهندگان ایرانی در برلین، کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر (برلین) مراسم باشکوهی در سالن

دستمالچی که اونیز شاهد ترور بود، از سوی کمیته ایرانی اپوزیسیون در تجید علیه ترور، به شرح فعالیت های یکساله این کمیته پرداخت. پیامهایی از طرف کانون پناهندگان ایرانی در برلین، انجمن فرهنگی دهخدا در برلین و شورای مرکزی سازمان به این مراسم فرستاده شد.

من پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت) بمناسبت سالگرد شهادت چهار مبارز آزاد بخوانه دکتر صادق شرفکندي، نوری دهکردی، فتح عبدلی و همایون اردلان خوانده های ارجمند شهید! رفقا و دوستان عزیز! اکنون سالی از واقعه هولناکی میگذرد که طی آن چهار تن از

سازمان ما در اینجا یاد بگیر همدردی خود را نا خوانه های این عزیزان برای او به آنان صمیمانه تسلیم میگوید

شورای مرکزی من ف خ ا
(اکتبریت)
۲۶ شهریور ۱۳۷۲

● پیام جداگانه دیگری به مناسبت اولیس سالگرد شهادت دکتر شرفکندي و همسرمانش، از سوی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکتبریت، به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران ارسال شده است. متن این پیام در شماره آینده نشریه کار درج خواهد شد.

Für die Berliner Gerichte und Notare
allgemein beeidigter Dolmetscher und
staatlich geprüfter Übersetzer für Persisch, BDU
Prüfer am Staatlichen Prüfungsamt für
Übersetzer und Dolmetscher

مترجم رسمی دادگستری برلین
ممتحن اداره دولتی امتحانات

Herrn
P. Dastmalchi

1000 Berlin
Telefon 030-

Berliner Bank
BLZ

- persönlich -

ترجمه رسمی از زبان آلمانی

ریاست پلیس برلین
دهارتمان وظایف ویژه مبارزه با جنایات

ریاست پلیس برلین ، پلاکس در لوفت-بروکه ، شماره ۶ ، ۵ - ۱۰۰۰ برلین ۴۲

به آقای

۱۰۰۰ برلین

شماره پرونده (لطفا همیشه ذکر گردد) : ۱۲ c VB Dir

تلخن (مرکز) : ۰۳۰ / ۶۹۹ ۰

تلخن (مستقیم) : ۶۹۹ ۳۶ ۱۵۰

تاریخ : نوامبر ۱۹۹۲

حضور محترم آقای

اداره آگاهی فدرال در یکنه‌ایم در چهارچوب تحقیقات علیه ی. امین و سایرین
در ارتباط با قتل چهار سیاستمدار کرد در تاریخ ۱۹۹۲/۹/۱۲ در برلین و جرم‌های
دیگر (کمیسسیون ویژه "میکوشوس") از شهود واقعه که در پیوست ذکر گردیده‌اند،

جهت روڈروٹی یک جانبہ (بہ ترشہبی کہ شہود مظنونین را می بینند ولیکن مظنونین قادر بہ دیدن شہود نیستند ، توضیح مترجم) در ساختمان اداره آگاہی فدرال در مکنہایم

در تاریخ ۱۹۹۲/۱۱/۱۲

شروع : ساعت ۱۲/۰۰

دعوت بعمل آورده است .

برای شہود مذکور

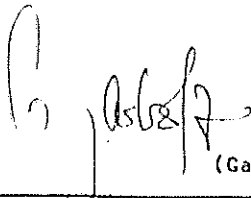
- ۱ - بلیت ہواپیما در گمشہ شماره ۶ شرکت لوفت ہانزا ، روبروی پایانہ (ترمینال) شماره ۶ ، در فرودگاہ برلین - ٹگل جهت تحویل نگاہداری می شود .
- ۲ - پرواز رفت در تاریخ ۹۲/۱۱/۱۲ ، زمان پرواز: ساعت ۹/۳۰ از فرودگاہ برلین - ٹگل ، ورود بہ مقصد: ساعت ۱۰/۴۰ در فرودگاہ کلن - بن ، شماره پرواز: LH ۲۷۰۴
- ۳ - پرواز بازگشت در تاریخ ۹۲/۱۱/۱۲ ، پرواز: ساعت ۱۶/۴۰ از فرودگاہ کلن - بن ، ورود بہ مقصد: ساعت ۱۷/۴۵ در فرودگاہ برلین - ٹگل ، شماره پرواز: LH ۲۷۰۱
- ۴ - شہود در فرودگاہ کلن - بن مورد استقبال کارمندان اداره آگاہی فدرال قرار خواہند گرفت و مجددا بہ آتجا بازگردانده خواہند شد .
- ۵ - شہود بایستی تقریباً ۳۰ دقیقہ قبل از پرواز در ترمینال پرواز در فرودگاہ حضور یابند . عزیمت بہ فرودگاہ بایستی مستقلاً انجام گیرد .
- ۶ - یک عدد گذرنامہ معتبر بایستی ارائه گردد .
- ۷ - حضور یافتن شما بسیار ضروری است . اینجانب از شما محترماً تقاضا دارد کہ از این دعوت حتماً بہروی نمائید .
- ۸ - جهت گفتگو و طرح سؤال در بارہ موارد ناروشن امضا کنندہ ذیل تحت تلفن شماره ۶۹۹ ۳۶ ۱۵۰ و یا اینکہ آقای زمان خان ، بعنوان مترجم ، تلفن (۳۹۳ ۳۶ ۲) در اختیار شما می باشند .
- ۹ - چنانچہ مطلبی ناروشن است ، خواہشمند است فورا با اینجانب و یا با آقای زمان خان تماس حاصل نمائید .

۱۰ - درآمد از دسترفته، شما از طرف اداره آگاهی فدرال پرداخت خواهد کردید. برای این کار لطفاً بیک‌گواهی درآمد (گواهی حقوق) همراه خود بیاورید و با اینکه فرم چایی ضمیمه را پس از بر شدن آن توسط کارفرما با خود بیاورید.

۱۱ - بیک دعوتنامه ضمیمه است.

۱۲ - لطفاً بیک فتوکپی این نامه را امضا نمائید، تا اینجانب موافقت شما را به اداره آگاهی فدرال اظهار و اعلام نماید.

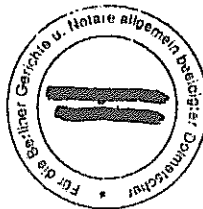
با احترام
از سوی



گاربتس، کمیسر عالی جنابی (Garbotz, KHK)

صحت ترجمه فوق و تطابق آن با متن اصلی به زبان آلمانی گواهی می گردد.

(مترجم رسمی دادگستری در برلین)



برلین، ۹ نوامبر ۱۹۹۲